



به نام خدا



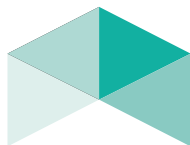
گزارش کارشناسی
تبیین آثار رکود تورمی بر صندوق‌های
بیمه اجتماعی در ایران
(با تأکید بر سازمان تأمین اجتماعی)



موسسه عالی پژوهش‌های ایرانی

بیمه اجتماعی و محاببات





تبیین آثار رکود تورمی بر صندوق‌های
بیمه اجتماعی در ایران
(با تأکید بر سازمان تأمین اجتماعی)



موسسه عالی پژوهش‌های اجتماعی

واژه‌های کلیدی:

صندوق‌های بیمه اجتماعی
رکود تورمی
سازمان تأمین اجتماعی
ایران

تهیه‌کنندگان:

سید محمدهادی سبحانیان
عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی
زنده‌یاد احسان آقاجانی معمار

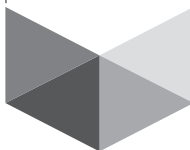
ویراستار علمی:

نرگس اکبری‌پور روشن



شماره مسلسل: DF.04.SI(17)96

تاریخ انتشار گزارش: ۹۶/۴/۱۴



فهرست مطالب	
۴	پیشگفتار مؤسسه
۶	چکیده اجرایی
۸	مقدمه
۱۰	ارتباط متقابل نظام تأمین اجتماعی و رشد و توسعه کشورها
۱۵	رکود تورمی در ایران؛ مبانی نظری و شواهد تجربی
۲۸	تبیین مکانیسم‌های اثرگذاری رکود تورمی بر صندوق‌های بیمه اجتماعی
۳۸	رویکردهای ناظر بر کاهش آسیب‌پذیری صندوق‌های بیمه اجتماعی در شرایط رکود تورمی
۵۱	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۵۳	پیشنهادات برای مطالعات آتی
۵۴	منابع

پیشگفتار مؤسسه

طبق تعاریف اقتصادی، رکود تورمی به شرایطی اطلاق می‌شود که نرخ رشد اقتصادی در مسیر کاهش اما، نرخ تورم در مسیر افزایش قرار دارد. در واقع، بروز همزمان رکود و تورم در اقتصاد کشورها را رکود تورمی می‌نامند. این شرایط مشکلاتی جدی برای واکنش‌های سیاستی دولت به همراه دارد؛ زیرا بسیاری از سیاست‌هایی که منجر به کاهش تورم می‌شوند، وضعیت رکود و بیکاری را بدتر می‌کنند و سیاست‌هایی که ضد رکود هستند، به افزایش تورم می‌انجامند.

بررسی داده‌های شاخص عمومی قیمت‌ها در کشور نشان می‌دهد که مشکل تورم در کشور مزمن شده است. افزون‌براین، نرخ رشد اقتصادی کشور در سطحی پایین قرار دارد و در برخی سال‌ها حتی منفی بوده است. با پذیرفتن این موضوع که نرخ‌های رشد پایین‌تر از روند متوسط رشد تولید ناخالص ملی - و نه صرفاً نرخ رشد منفی - نیز بیانگر دوران رکود هستند، تصویر رکود در کشور از این هم بدتر می‌شود؛ چرا که با این تعریف، سابقه کشور در تجربه رکود اقتصادی فزونی می‌یابد. وقوع همزمان رکود و تورم در کشور سیاست‌گذاران را با چالش‌های زیادی مواجه کرده است. گرچه اقدامات ثبات‌ساز اخیر دولت سبب





شده تا نرخ تورم تا حد زیادی کنترل شود و رشد اقتصادی در مسیر افزایش قرار گیرد اما، هنوز تا بهبودی کامل راهی دشوار در پیش است.

بی‌تردید، وضعیت اقتصاد کلان کشور یکی از مؤلفه‌های مهم اثرگذار بر عملکرد صندوق‌های بیمه اجتماعی است و لذا، قرار گرفتن کشور در وضعیت رکود تورمی منابع و مصارف صندوق‌ها را تحت تأثیر قرار خواهد داد. با این وصف، شناخت نحوه اثرگذاری پدیده رکود تورمی بر صندوق‌ها در مدیریت بهینه و کارای صندوق‌ها نقش بسزایی دارد؛ چرا که از این رهگذر، اقدامات و سیاست‌های مناسب در واکنش به این پدیده شناسایی می‌شوند.

گزارش حاضر تحت عنوان «تبیین آثار رکود تورمی بر صندوق‌های بیمه اجتماعی در ایران و راهکارهای آسیب‌پذیری از آن با تأکید بر سازمان تأمین اجتماعی» با رویکردی تحلیلی-توصیفی، به تبیین مسیرهای احتمالی اثرگذاری رکود تورمی بر صندوق‌های بیمه اجتماعی و به‌خصوص، سازمان تأمین اجتماعی می‌پردازد و در انتها، دو گروه راهکار برای کاهش آسیب‌پذیری صندوق‌ها ارائه می‌دهد که یکی ناظر بر مدیریت صندوق‌ها و دیگری معطوف به اصلاحات فضای اقتصاد کلان است. امید است این گزارش در اتخاذ تصمیماتی مناسب در مواجهه با آثار رکود تورمی مفید واقع شود. دریافت نظرات و پیشنهادات برای تولید گزارش‌های آتی مزید امتنان خواهد بود.

دکتر شهرام غفاری

رئیس مؤسسه

تابستان ۱۳۹۶

صندوق‌های بیمه اجتماعی

رکود تورمی

سازمان تأمین اجتماعی

ایران



چکیده اجرایی

وضعیت اقتصاد کلان کشور از جمله رشد اقتصادی، اشتغال، تورم، رکود و شرایط موسوم به رکود تورمی، آثار معنی داری بر عملکرد صندوق‌ها و منابع و مصارف آنها دارد. شناخت نحوه اثر گذاری متغیرهای اقتصاد کلان بر عملکرد اقتصادی صندوق‌ها از لوازم مدیریت صحیح صندوق‌های بیمه اجتماعی محسوب می‌شود. لذا در گزارش حاضر تلاش شده است با استفاده از رویکردی تحلیلی-توصیفی، ضمن تبیین پدیده رکود تورمی و دلایل بروز آن در ایران، مسیرهای احتمالی اثر گذاری این پدیده بر منابع و مصارف صندوق‌ها با تأکید بر سازمان تأمین اجتماعی شناسایی شود. با توجه به استدلال این گزارش، رکود تورمی بر منابع سازمان تأمین اجتماعی از جمله درآمدهای حاصل از حق بیمه، درآمدهای حاصل از وجوه و ذخایر، و وصولی از دولت تأثیر منفی خواهد گذاشت. به علاوه، نحوه اثر گذاری پدیده رکود تورمی بر سمت مصارف صندوق‌های بیمه اجتماعی از طریق افزایش پرداخت بیمه بیکاری و نیز کاهش نسبت پشتیبانی تبیین شده است.

همچنین استدلال شده است که کاهش آسیب‌پذیری صندوق‌های بیمه اجتماعی از رکود تورمی باید از دو مسیر پیگیری شود. یک





مسیر معطوف به مدیریت صندوق‌ها در شرایط رکود تورمی است. راهکارهایی نظیر افزایش بهره‌وری در صندوق‌های بیمه اجتماعی، مشارکت در ایجاد و توسعه بازار بدهی دولت، ایجاد پرتفوی بهینه در سرمایه‌گذاری‌ها، توسعه نگاه‌های صادرات‌محور، ایجاد انضباط مالی و معاملاتی در ساختار صندوق‌ها و افزایش شفافیت در شرکت‌ها، کنترل و مدیریت هزینه‌های صندوق‌های بیمه، افزایش تأمین مالی شرکت‌های زیرمجموعه صندوق‌ها از طریق بازار سرمایه و گسترش مشارکت‌های اقتصادی با بخش‌های خصوصی و جلوگیری از دولتی‌شدن ساختار صندوق‌ها از جمله این راهکارها است. پیگیری و عملیاتی کردن این راهکارها در شرایط رکود تورمی نسبت به شرایط معمول اقتصاد از اهمیت بیشتری برخوردار است. مسیر دوم از کانال اصلاحات اقتصاد کلان می‌گذرد. در غیر این صورت، کارکرد مدیریت صندوق‌ها تنها متمرکز بر کاهش آسیب‌پذیری صندوق‌ها از وضعیت نامناسب اقتصاد خواهد بود. برخی راهکارهای ارائه‌شده در این رابطه عبارت‌اند از: مسدود کردن منافذ فساد و رانت در اقتصاد، تقویت صنایع کوچک و متوسط، کنترل و مهار بخش نامولد، اصلاح بازار نهاده‌های تولید، تنظیم و اصلاح مقیاس نگاه‌ها، تنظیم صحیح سیاست‌های تجاری، اصلاح و بازسازی نظام مالیاتی، اصلاح نظام بودجه‌ریزی و تغییر پارادایم پولی و مالی.



مقدمه

اقتصاد ایران در چند سال گذشته با مشکل رکود تورمی مواجه بوده است. در چنین شرایطی سیاست‌های طرف تقاضا که به منظور کنترل تورم اجرا می‌شوند، به تعمیق رکود اقتصادی دامن می‌زنند و سیاست‌هایی که جهت تحریک رشد اقتصادی اتخاذ می‌گردند، به افزایش تورم در جامعه می‌انجامند. لذا اتخاذ سیاست‌های گوناگون اقتصادی به گونه‌ای که هر دو معضل رکود و تورم را به‌طور همزمان درمان کنند و یا تسکین دهند، ضروری به نظر می‌رسد.



از طرف دیگر، مختصات حاکم بر جامعه در وضعیت رکود تورمی آثار خاص خود را در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی بر جای می‌گذارد. شناخت این آثار می‌تواند ضمن آگاه کردن مسئولان مربوطه نسبت به پیامدهای استمرار وضعیت رکود تورمی، راهکارهای مقابله با آن را نیز ارائه دهد. این شناخت مستلزم تشخیص و شناسایی مسیرهای اثرگذاری رکود تورمی در حوزه‌های مختلف است.

یکی از حوزه‌های بسیار مهم و حیاتی که تحت تأثیر شرایط رکود تورمی قرار می‌گیرد، حوزه صندوق‌های بیمه اجتماعی است. بر این اساس، در گزارش حاضر تلاش شده است که به شناسایی و تبیین



مسیرهای احتمالی اثرگذاری شرایط رکود تورمی بر صندوق‌های بیمه اجتماعی پرداخته شود. نظر به نقش و جایگاه بی‌بدیل سازمان تأمین اجتماعی در حوزه صندوق‌های بیمه اجتماعی، تمرکز این گزارش بیشتر معطوف به این سازمان بیمه‌گر اجتماعی است. در این مسیر با توجه به هدف گزارش از رویکرد تحلیلی و توصیفی استفاده شده است.^۱

گزارش حاضر به این صورت سامان یافته است: پس از مقدمه، در فصل اول ارتباط متقابل نظام تأمین اجتماعی و رشد و توسعه کشورها تبیین می‌شود. در فصل دوم مبانی نظری رکود تورمی و برخی شواهد آن در اقتصاد ایران ارائه می‌گردد. در فصل سوم مکانیسم‌های اثرگذاری رکود تورمی بر صندوق‌های بیمه اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. پس از آن، در فصل چهارم به ارائه برخی راهکارها به منظور خروج از رکود تورمی و کاهش آسیب‌پذیری صندوق‌های بیمه اجتماعی از آن پرداخته می‌شود. فصل انتهایی به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

۱. لازم به ذکر است، می‌توان میزان اثرگذاری رکود تورمی بر هر یک از صندوق‌های بیمه اجتماعی از کانال مسیرهای شناسایی شده را نیز بررسی کرد که البته نیازمند مطالعه دیگری است.

ارتباط متقابل نظام تأمین اجتماعی و رشد و توسعه کشورها

صندوق‌های بیمه اجتماعی در رشد و توسعه پایدار کشورها نقش مهمی دارند. نگاهی به اهداف سیاستی دولت‌ها برای اقتصادهای ملی از یک طرف و اهداف صندوق‌های بیمه اجتماعی از طرف دیگر نشان می‌دهد میان اهداف اقتصادی کشورها و اهداف صندوق‌ها مشترکات فراوانی وجود دارد. البته ایجاد ارتباط بین دو حوزه توسعه اقتصادی و تأمین اجتماعی حاصل یک فرایند تجربی از تاریخ بشری است؛ چراکه در اندیشه نخستین متفکران سرمایه‌داری و اقتصاد بازار، برای وظیفه دولت در خصوص تأمین اجتماعی جایگاهی وجود نداشت و پس از وقوع بحران‌های عمیق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، طرح‌های تأمین اجتماعی برای اولین بار در سال ۱۸۸۱ توسط بیسمارک در آلمان و سپس، در سایر کشورها و در سال ۱۹۲۵ در آمریکا توسط روزولت با برنامه نوین^۱ به وجود آمد (پناهی، ۱۳۷۶).

تأمین اجتماعی با مبانی گوناگون و دلایل متعددی از ضرورت‌های انکارناپذیر جوامع معاصر به حساب می‌آید. از یک طرف استقرار نظام تأمین اجتماعی و گسترش آن بر رشد و توسعه اقتصادی-اجتماعی کشورها مؤثر است (متیجسیک و مکینون^۲، ۲۰۱۴؛ وان هاف^۳، ۲۰۰۲) و از طرف دیگر، رشد و توسعه اقتصادی در ارتقای نظام تأمین اجتماعی نقش بارزی دارد. آنچه دو حوزه توسعه اقتصادی و تأمین اجتماعی را به یکدیگر پیوند می‌دهد، رفاه و آسایش انسان است. تردیدی وجود ندارد که هرگونه تحول و توسعه اقتصادی نیازمندی‌های جامعه را به‌عنوان یک کل ارتقا می‌دهد و از طرف دیگر برنامه‌های تأمین اجتماعی نیز با تأمین سلامت، بهداشت و امنیت روانی افراد، قابلیت‌های انسان را به‌عنوان عامل توسعه اقتصادی افزایش می‌دهد (حسینی، ۱۳۸۸).

1. New Deal
2. Matijascic & McKinnon
3. von Hauff

ارتباط بین تأمین اجتماعی و توسعه اقتصادی یک ارتباط دوسویه است؛ استقرار نظام تأمین اجتماعی و گسترش آن بر رشد و توسعه اقتصادی مؤثر است و رشد و توسعه اقتصادی بر ارتقای نظام تأمین اجتماعی اثرگذار است.

تأمین اجتماعی باتوجه به بهبود تغذیه، بهداشت، امنیت جسمی و روانی، آموزش و مواردی از این دست، بر انباشت سرمایه انسانی و رشد بهره‌وری نیروی کار تأثیر مستقیمی دارد و امروزه سرمایه انسانی از عوامل اصلی رشد و توسعه اقتصادی محسوب می‌شود (ژانگ^۱، ۱۹۹۵؛ سازمان بین‌المللی کار، ۲۰۰۲). از طرفی بزرگتر شدن کیک اقتصادی و برخورداری از سطح بالاتر توسعه‌یافتگی، منجر به بهبود تغذیه، بهداشت، امنیت جسمی و روانی، آموزش، و غیره می‌گردد (پناهی، ۱۳۸۳).

یکی دیگر از مبانی استقرار نظام تأمین اجتماعی اصل همبستگی اجتماعی است. گسترش نظام کارآمد تأمین اجتماعی سبب بهبود و ارتقای همبستگی اجتماعی و پیوندهای عاطفی و اخلاقی میان افراد جامعه می‌شود و از طرفی، وجود سرمایه اجتماعی میان افراد جامعه یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های توسعه اقتصادی کشورها به شمار می‌رود (حسینی، ۱۳۸۸).

یکی از اهداف توسعه پایدار اقتصادی توزیع درآمد است که این هدف از مهم‌ترین اهداف اولیه تأمین اجتماعی نیز قلمداد می‌شود و بیمه‌های اجتماعی در این حوزه عملکرد موفقی داشته‌اند. استیگلitz^۲ (۲۰۰۰) در این رابطه می‌گوید «درحالی که در گذشته فقر در میان سالمندان به‌عنوان یک مشکل اجتماعی واقعی به نظر می‌رسید، امروزه نه تنها نرخ‌های فقر در میان سالمندان به مقدار زیادی کاهش یافته است بلکه، این نرخ در جمعیت به‌عنوان یک کل نیز کمتر است». باتوجه به اهمیت توزیع درآمد در اهداف توسعه پایدار اقتصادی، نقش مثبت تأمین اجتماعی در توسعه اقتصادی نیز برجسته می‌شود. افزون‌براین، از دیگر راه‌های اثرگذاری صندوق‌های بیمه اجتماعی و بازنشستگی

1. Zhang

2. Stiglitz

بر رشد و توسعه اقتصادی، سرمایه‌گذاری این صندوق‌ها در طرح‌ها و فعالیت‌های اقتصادی است. صندوق‌های بیمه اجتماعی (بازنشستگی) از طریق افزایش سطح پس‌انداز کل جامعه در جهت فعالیت‌های اقتصادی، می‌توانند سبب رشد اقتصادی شوند (اپیلادو، ۱۹۷۲). همچنین، توسعه بازار سرمایه از طریق سرمایه‌گذاری صندوق‌های بازنشستگی از دیگر راه‌های اثرگذاری این نهادها بر رشد اقتصادی است. در واقع، در این حالت رشد اقتصادی به‌طور غیرمستقیم از طریق توسعه بازار سرمایه تقویت می‌شود (دیویس و هو، ۲۰۰۵؛ والکر و لفورت^۳، ۲۰۰۰). به بیان دیگر، صندوق‌های بازنشستگی از طریق جمع‌آوری وجوه افراد و به‌کارانداختن آن در بازار سرمایه، سبب رشد این بازار می‌شوند. مطالعات نشان می‌دهد دارایی‌های صندوق‌های بازنشستگی بر عمق و نقدینگی بازار سرمایه در کشورهای توسعه‌یافته اثر مثبت دارد و در کشورهای در حال توسعه هم باید ملاحظاتی در خصوص سرمایه‌گذاری صندوق‌ها مد نظر قرار گیرد تا هدف رشد اقتصادی محقق شود (منگ و پفاو^۴، ۲۰۱۰).

برخی مطالعات نشان می‌دهند که شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی از طریق تعامل با صندوق‌های بازنشستگی، رشد و توسعه اقتصادی را به وجود می‌آورند. صندوق‌های بازنشستگی به نمایندگی از ذی‌نفعان‌شان به‌عنوان مالکان شرکت‌ها، بر مدیریت شرکت‌ها تأثیر می‌گذارند. صندوق‌ها برای کاهش نگرانی‌های بلندمدت، از طریق افزایش شفافیت و پاسخگویی و افزایش استانداردهای اجتماعی و محیطی رفتار شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند (کلارک و هب^۵، ۲۰۰۴؛ دیویس^۶، ۲۰۰۲).

اثرگذاری صندوق‌های بیمه اجتماعی بر رشد و توسعه اقتصادی از کانال بازار کار نیز قابل بررسی است. البته تحلیل این اثرگذاری نیازمند دقت نظر است؛ چراکه از یک منظر حق بیمه‌های پرداختی همانند مالیات‌ها اثر منفی بر بازار

-
1. Apilado
 2. Davis & Hu
 3. Walker & Lefort
 4. Meng & Pfau
 5. Clark & Hebb
 6. Davis

نیروی کار و به تبع آن، بر رشد اقتصادی دارند اما از طرف دیگر، پس‌اندازهای بازنشستگی بر رشد اقتصادی اثر مثبت دارند (دیزنی^۱، ۲۰۰۴؛ آکای^۲، ۲۰۱۱).

به‌هر حال، ارائه برخی از اصلاحات در نظام‌های پرداخت حق بیمه در بیمه‌های تأمین اجتماعی می‌تواند به کاهش در اختلالات در بازار نیروی کار منجر شود (لیندبک و پرسن^۳، ۲۰۰۳) و از این طریق، رشد اقتصادی را تحت تأثیر مثبت خود قرار دهد.

تأمین اجتماعی از چند رهگذر بر رشد و توسعه اقتصادی اثر گذار است:

▲ بهبود تغذیه، بهداشت، و امنیت جسمی و روانی و لذا، افزایش سرمایه انسانی و بهره‌وری نیروی کار؛

▲ افزایش همبستگی اجتماعی و در نتیجه، افزایش سرمایه اجتماعی؛

▲ کمک به بهبود توزیع درآمد؛

▲ افزایش سطح پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در طرح‌ها و فعالیت‌های اقتصادی و یا به کار انداختن وجوه در بازار سرمایه؛

▲ اثر گذاری منفی بر تقاضای نیروی کار.

در ایران نیز تحقیقاتی در زمینه ارتباط میان تأمین اجتماعی و رشد اقتصادی انجام شده است که در ادامه، به برخی از آنها اشاره می‌شود. در تحقیق نیکوپور و ریاضی (۱۳۸۳) با استفاده از روش همجمعی یوهانسن، اثر مخارج سرانه سازمان تأمین اجتماعی به همراه چهار متغیر دیگر (مخارج دولتی، نرخ تورم، اشتغال و سرمایه‌گذاری) بر درآمد سرانه طی سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۸۰ برآورد شد و این نتیجه حاصل شد که در بلندمدت با افزایش ۱۰ درصدی مخارج سرانه سازمان، حدود ۰/۰۸ درصد درآمد سرانه افزایش می‌یابد و در کوتاه‌مدت افزایش

1. Disney

2. Ukai

3. Lindbeck & Persson

۱۰ درصدی مخارج سرانه سازمان، در آمد سرانه را در حدود ۰/۲ درصد افزایش می دهد.

نیکوپور (۱۳۸۴) با استفاده از فیلتر هادریک - پرسکات^۱، چرخه های تجاری ایران را طی دوره زمانی ۱۳۴۰ تا ۱۳۸۰ مورد بررسی قرار داده و ارتباط این چرخه ها را با برخی از متغیرهای سازمان تأمین اجتماعی تحلیل کرده است. وی در نهایت، به ارائه توصیه های سیاستی برای سازمان تأمین اجتماعی پرداخت که از آن جمله می توان به این موارد اشاره کرد: سرمایه گذاری سازمان تأمین اجتماعی در زمان رکود اقتصادی صورت گیرد، وصول مطالبات سازمان از دولت در شرایط رونق اقتصادی انجام گردد و وابسته به شرایط سیاسی نباشد، و در زمان رکود برای کارفرمایان خوش حساب امتیازاتی ویژه در نظر گرفته شود.

در مطالعه حسینی (۱۳۸۸) نشان داده شد که بر اساس داده های سال های ۱۳۴۰ تا ۱۳۸۲ کشور، افزایش مخارج تأمین اجتماعی به طور معناداری بر رشد اقتصاد (درآمد ملی) اثر مثبت دارد. در مقاله زارع و اسدی (۱۳۹۰) که رابطه تأمین اجتماعی و توسعه اقتصادی و اجتماعی در ایران مورد مطالعه قرار گرفته است، این نتیجه حاصل شد که از یک سو، هزینه های تأمین اجتماعی اثر مثبتی بر رشد اقتصادی در ایران داشته است ولی، میزان اثربخشی آن از نیروی کار و سرمایه کمتر بوده است و از سوی دیگر، توسعه تأمین اجتماعی با کاهش فقر همراه بوده اما، به علت محدودیت بودجه و اثرات شدیدتر عواملی همچون تورم، تأثیر مطلوب آن در سطح معنی داری نبوده است.

در مطالعه امین رشتی و قربانی (۱۳۹۲) به بررسی تأثیر نظام تأمین اجتماعی بر توسعه سرمایه انسانی پرداخته شده است. در این تحقیق که بر پایه اطلاعات سری زمانی کشور از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۹ انجام شده است، نشان داده شد که گسترش شاخص های تأمین اجتماعی بر توسعه انسانی در ایران مؤثر بوده است. در تحقیق صادقی (۱۳۹۳) که اثر رفاه اجتماعی بر رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (۵۷ کشور) طی سال های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۰ مورد مطالعه قرار گرفته است، نشان داده شد که افزایش مخارج رفاه اجتماعی بر روی رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه، مثبت و مؤثر بوده است.

1.Hodrick-Prescott (HP)

رکود تورمی در ایران؛ مبانی نظری و شواهد تجربی

چیستی رکود تورمی و دلایل وقوع آن

رکود تورمی^۱ شرایطی است که در آن سطح قیمت‌ها و بیکاری توأمان افزایش می‌یابد (برانفن برنر^۲، ۱۹۷۶). رکود تورمی تا قبل از دهه ۱۹۷۰ در ادبیات اقتصادی دنیا مطرح نبود. پس از بحران دهه ۱۹۳۰ و راه‌حل موفق کینز مبنی بر اعمال سیاست‌های انبساطی در آن زمان، رکود دهه ۱۹۷۰ به وقوع پیوست و اکثر دولتمردان با توجه به تجربه موفق دهه ۱۹۳۰ مجدداً راه‌حل کینز را انتخاب کردند، در حالی که شرایط اقتصادی آن زمان به‌طور کلی متفاوت از رکود دوره قبل بود. در این زمان برای اولین بار پدیده رکود تورمی در سطحی گسترده اکثر کشورها را در بر گرفت (خانی‌قریه‌گی و همکاران، ۱۳۹۲). برای درک بهتر پدیده رکود تورمی، ابتدا لازم است مشخصه‌های اصلی آن یعنی رکود و تورم، به‌طور مجزا ریشه‌یابی شوند تا به‌وسیله آن شناسایی علل ایجاد و راهکارهای مقابله با آن تسهیل گردد.

رکود تورمی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن، رکود و تورم به‌طور همزمان وجود داشته باشند.

رکود در اثر یکی از دو عامل «نارسایی تقاضای مؤثر» یا «تنگناهای طرف عرضه» حادث می‌شود. رکود ناشی از نارسایی تقاضای مؤثر توسط کینز مطرح شد. وی نشان داد «تناقص خست» (کاهش تولید ناشی از کاهش تقاضای کل) و تقاضای سفته‌بازی پول، جانشین اصل کارایی تقاضای مؤثر

1. Stagflation

2. Bronfenbrenner

شده‌اند. کینز راه‌حل برون‌رفت از رکود ناشی از نارسایی تقاضای مؤثر را در اعمال سیاست‌های انبساطی و افزایش تقاضای کل عنوان کرد (کرمی، ۱۳۸۶).

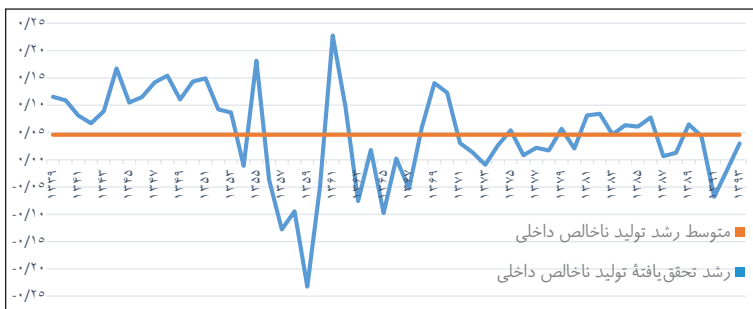
رکود ناشی از «تنگناهای بخش عرضه» غالباً در کشورهای توسعه‌نیافته به وقوع می‌پیوندد؛ زیرا در این کشورها نوعاً زیرساخت‌های اقتصادی مانند شبکه‌های حمل‌ونقل و ارتباطی، برق و انرژی، مدیریت صحیح منابع انرژی، نیروی کار متخصص، تخصیص بهینه منابع، دسترسی به فناوری مناسب و سیستم‌های ارزی کارا وجود ندارد. افزون‌بر آن، این کشورها با نرخ رشد جمعیتی بالا و تقاضای روزافزون روبه‌رو هستند که باعث می‌شود اقتصاد در وضعیت اشتغال ناقص به تعادل برسد و افزایش تقاضا به علت عدم امکان افزایش عرضه متناسب با آن منجر به افزایش قیمت‌ها شود و تولید افزایش نیابد. در واقع، در این وضعیت بخش حقیقی اقتصاد قدرت پاسخ‌گویی به تقاضا را ندارد (خانی‌قربه‌گی و همکاران، ۱۳۹۲).

از سوی دیگر، تورم از عوامل متعددی مانند افزایش حجم پول، افزایش قیمت مواد اولیه، افزایش قیمت‌های جهانی و کالاهای وارداتی، ساختار اقتصادی و مانند آن ناشی می‌شود. در یک دسته‌بندی کلی تورم به دو حالت تورم ناشی از فشار تقاضا و تورم ناشی از فشار هزینه تفکیک می‌شود. تورم ناشی از فشار تقاضا به مفهوم وجود مازاد تقاضا (در بازار پول یا کالا) نسبت به عرضه در اقتصاد است که باعث افزایش سطح قیمت‌ها و تورم می‌شود. تورم به افزایش دستمزد و قیمت مواد خام و ماشین‌آلات منجر می‌شود و بدین ترتیب، هزینه تولید بالا می‌رود. این افزایش در هزینه‌های تولید می‌تواند با کاهش میزان عرضه کل، همزمان به تورم و رکود در اقتصاد دامن زند که به آن پدیده رکود تورمی گفته می‌شود (کرمی، ۱۳۸۶).

در تورم ناشی از فشار هزینه افزایش هزینه‌های تولید یا افزایش قیمت سایر نهاده‌های تولید مانند مواد اولیه یا کاهش عرضه آنها به هر دلیل، باعث افزایش قیمت‌ها و تورم می‌شود. اگر اتحادیه‌های کارگری بتوانند سطح دستمزدها را بالا نگه دارند، کارفرمایان بخشی از نیروی کار را اخراج کرده و سطح تولید را کاهش می‌دهند و رکود تورمی عارض می‌شود (باستانی‌فر و میرزایی، ۱۳۹۳).

تجربه رکود تورمی در ایران؛ شواهد و دلایل آن

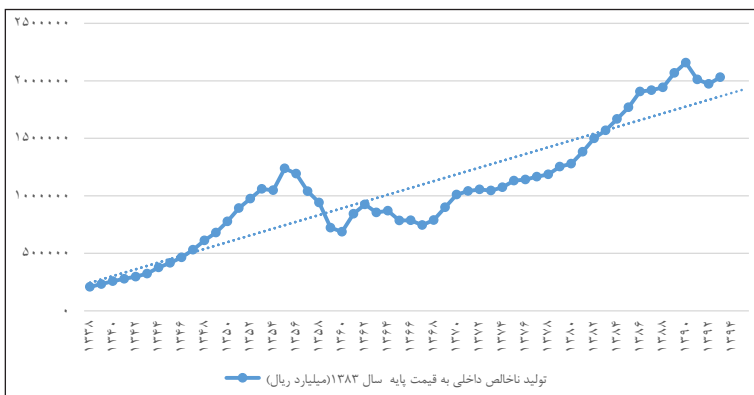
ابتدا باید دانست که رکود تنها به نرخ‌های رشد اقتصادی منفی اطلاق نمی‌گردد بلکه، نرخ‌های رشد پایین‌تر از روند متوسط رشد تولید ناخالص ملی نیز بیانگر دوران رکود هستند. چنانچه به غلط، رکود را صرفاً مترادف با رشد منفی تلقی کنیم، آنگاه همه رشد‌های مثبت متناظر با رونق خواهند بود؛ درحالی‌که اساساً اقتصاد کشور رونق قابل توجهی را تجربه نکرده است (شاگری، ۱۳۹۳). در نمودار ۱ روند متوسط رشد تولید ناخالص ملی و رشد تحقق‌یافته در دهه‌های گذشته نشان داده شده است.



Δ نمودار ۱- روند متوسط رشد تولید ناخالص داخلی و رشد تحقق‌یافته طی سال‌های ۱۳۳۹-۹۳

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در بسیاری از سال‌ها رشد تحقق‌یافته تولید ناخالص داخلی از متوسط رشد این متغیر طی دوره مورد بررسی کمتر بوده است. به‌علاوه، از سال ۱۳۸۷ به بعد به جز در سال ۱۳۸۹، همواره اقتصاد در شرایط رکودی به سر برده است که البته عمق این رکود در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ با تجربه رشد‌های اقتصادی منفی شدت یافت. در نمودار ۲ نوسانات تولید ناخالص داخلی واقعی حول روند آن نشان داده شده است. مشاهده روند تولید ناخالص داخلی واقعی طی سال‌های گذشته می‌تواند واقعیت‌هایی را در خصوص کیفیت رشد اقتصادی آشکار سازد.



Δ نمودار ۲- نوسانات حول روند تولید ناخالص داخلی واقعی در ایران

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

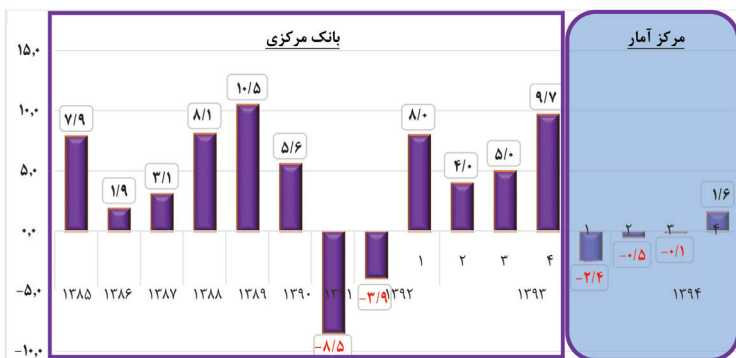
همان‌طور که در نمودار اخیر ملاحظه می‌شود، روند رشد بسیار کند و با شیب محدود است. با ملاحظه این وضعیت می‌توان دریافت که طرف عرضه اقتصاد در ایران با مشکل مواجه است. از طرف دیگر، نوسان شدید تجربه‌شده در رشد اقتصادی کشور نیز گویای این است که ساختار اقتصاد و طرف عرضه آن برای یک رشد قابل‌ملاحظه مستمر و با تغییرپذیری محدود تعدیل و اصلاح نشده است. اساساً نوسانات این‌گونه، دلالت بر ضعف تولید و عرضه اقتصاد دارد. البته کیفیت و ترکیب تولید، ترکیب و کیفیت صادرات و واردات و فعالیت‌های اقتصادی در کشور نیز مؤید ضعف ساختارهای تولیدی در کشور می‌باشد. به بیان دیگر، وقتی صادرات کشور عمدتاً شامل مواد خام و فرآورده‌های با ارزش پایین مصرفی، نفتی و گاز و پتروشیمی و کالاهای سنتی باشد، فعالیت‌های نامولد و مزاحم در اقتصاد گسترده باشد، نوآوری و رشد فناوری و تأمین رقابت‌پذیری محدود باشد، زمینه‌های رشد بالا و مستمر نیز محدود خواهد بود (شاکری، ۱۳۹۲؛ ۱۳۹۳).

بنابراین، باید پذیرفت که یکی از دلایل بروز رکود تورمی در کشور مربوط به مشکلات طرف عرضه است. علت کمتر شدن رشد اقتصادی از میزان متوسط آن طی سالیان اخیر را می‌توان با بررسی ارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصاد مورد واکاوی قرار داد. بر اساس نظام حساب‌های ملی^۱، تولید ناخالص ملی از

1. System of National Accounting

مجموع ارزش افزوده بخش‌های مختلف از جمله صنعت، کشاورزی، بازرگانی، نفت، خدمات مؤسسات پولی و مالی، خدمات عمومی دولت و ساختمان به دست می‌آید. بسته به سهم هر یک از بخش‌های مذکور در تولید ناخالص ملی، کاهش یا افزایش ارزش افزوده در این بخش‌ها منجر به کاهش یا افزایش در ارزش افزوده کل اقتصاد خواهد شد. در ادامه، روند رشد ارزش افزوده در هریک از بخش‌های مذکور در دهه گذشته تحلیل شده است.^۱

در نمودار ۳ رشد ارزش افزوده بخش صنعت ارائه شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، روند کاهشی رشد ارزش افزوده این بخش از سال ۱۳۸۹ آغاز شده و در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ به بیشترین میزان خود رسیده است. اگرچه در فصول چهارگانه سال ۱۳۹۳ رشد مثبت و قابل‌ملاحظه بخش صنعت مشاهده می‌شود ولی، در سال ۱۳۹۴ مجدداً متوسط رشد ارزش افزوده این بخش به مقداری منفی (۰/۳-) کاهش یافته است.



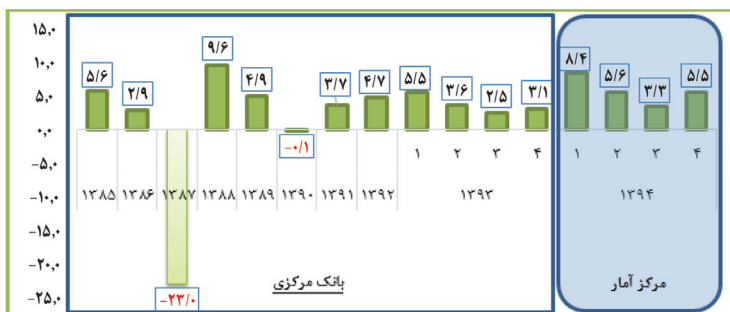
Δ نمودار ۳- رشد ارزش افزوده بخش صنعت (درصد)

منبع: حساب‌های ملی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و مرکز آمار ایران

در نمودار ۴ رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴ نشان داده شده است. بر اساس آمارهای موجود، رشد ارزش افزوده این بخش

۱. لازم به ذکر است باتوجه به عدم انتشار آمارهای هریک از بخش‌ها در سال ۱۳۹۴ از سوی بانک مرکزی در زمان تدوین این گزارش، این آمار از مرکز آمار ایران گرفته شده است.

در اغلب سال‌های مورد مطالعه مثبت بوده است. حتی در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ که رشد ارزش افزوده در کل اقتصاد منفی بوده، این بخش با رشد مثبت مواجه بوده است. باین‌حال، به دلیل سهم کم بخش کشاورزی در ارزش افزوده کل اقتصاد، رشد محدود این بخش نتوانسته منجر به ارتقای سطح تولیدات در کل اقتصاد گردد.



Δ نمودار ۴- رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی (درصد)

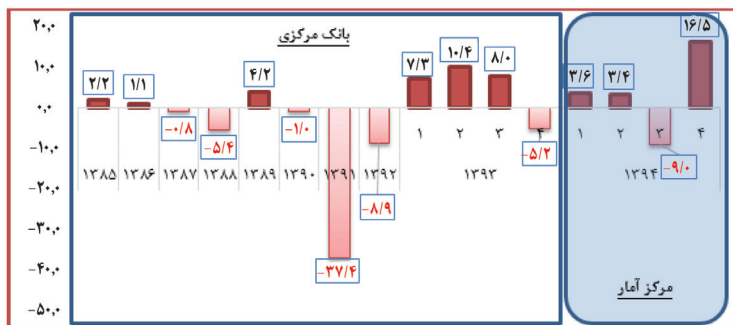
منبع: حساب‌های ملی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و مرکز آمار ایران



Δ نمودار ۵- رشد ارزش افزوده خدمات بازرگانی (درصد)

منبع: حساب‌های ملی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و مرکز آمار ایران

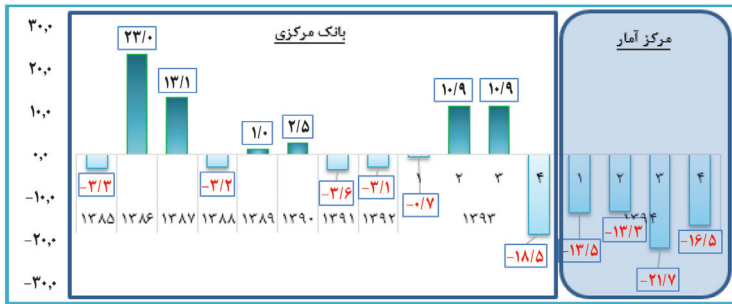
در نمودارهای ۵ و ۶ به ترتیب رشد ارزش افزوده بخش خدمات بازرگانی و بخش نفت نمایش داده شده است. همان‌گونه که در این دو نمودار ملاحظه می‌شود، در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ ارزش افزوده بخش خدمات بازرگانی و بخش نفت با افت شدید روبه‌رو شده است. پس از آن، در سال ۱۳۹۳ ارزش افزوده هر دو بخش بهبود محسوسی یافت. در سال ۱۳۹۴ رشد بخش خدمات نزدیک به صفر و رشد بخش نفت حدود ۳/۶ درصد بوده است.



Δ نمودار ۶- رشد ارزش افزوده بخش نفت (درصد)

منبع: حساب‌های ملی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و مرکز آمار ایران

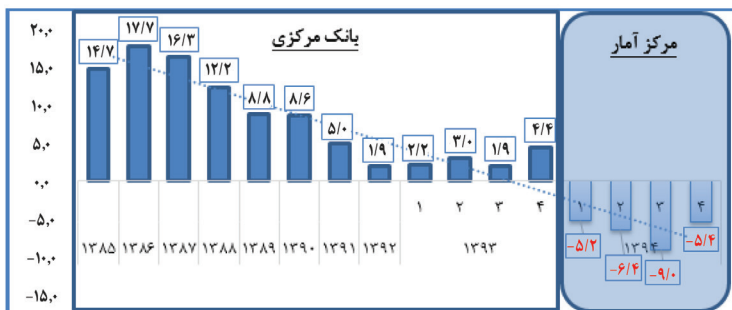
بر اساس آنچه در نمودار ۷ مشاهده می‌گردد، رشد ارزش افزوده بخش ساختمان به‌جز سال ۱۳۹۳ که اندکی مثبت بوده است، از سال ۱۳۹۱ تا سال ۱۳۹۴ منفی است. رشد منفی ارزش افزوده این بخش باتوجه‌به پیوندهای گسترده پسینی و پیشینی این حوزه با سایر حوزه‌ها اثرات منفی قابل‌توجهی بر رشد ارزش افزوده کل اقتصاد می‌گذارد. لازم به ذکر است که یکی از دلایل کاهش ارزش افزوده در بخش مسکن را می‌توان به کاهش اعتبارات عمرانی دولت در پی مشکلات بودجه‌ای نسبت داد.



Δ نمودار ۷- رشد ارزش افزوده بخش ساختمانی (درصد)

منبع: حساب‌های ملی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و مرکز آمار ایران

در نمودارهای ۸، ۹ و ۱۰ به ترتیب رشد ارزش افزوده بخش‌های حمل‌ونقل، خدمات مؤسسات پولی و مالی، و نهایتاً خدمات عمومی گزارش شده است. بخش حمل‌ونقل از سال ۱۳۸۶ با روند کاهش رشد ارزش افزوده مواجهه بوده است (به جز سال ۱۳۹۳ که رشد ارزش افزوده این بخش نسبت به سال قبل از آن اندکی افزایش یافته است) و در سال ۱۳۹۴ رشد این بخش منفی گزارش شده است. در رابطه با خدمات مؤسسات پولی و مالی، ارزش افزوده از سال ۱۳۹۰ به بعد، به جز سال ۱۳۹۳- که برخی گشایش‌ها در مسئله هسته‌ای اتفاق افتاد- رشدی منفی داشته است.



Δ نمودار ۸- رشد ارزش افزوده بخش حمل‌ونقل (درصد)

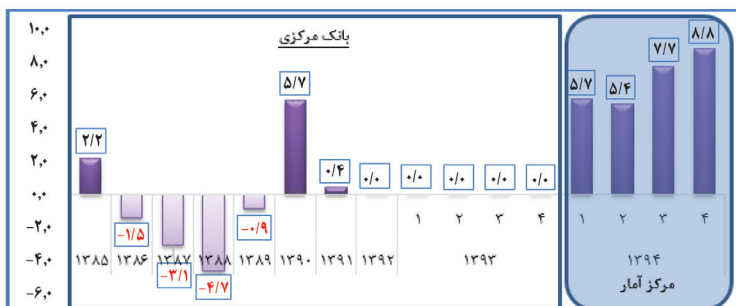
منبع: حساب‌های ملی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و مرکز آمار ایران



Δ نمودار ۹- رشد ارزش افزوده خدمات مؤسسات پولی و مالی (درصد)

منبع: حساب‌های ملی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و مرکز آمار ایران

همچنین، آمارها گویای آن است که رشد ارزش افزوده بخش خدمات عمومی از سال ۱۳۹۰ تا ابتدای ۱۳۹۴ نزدیک به صفر بوده و در سال ۱۳۹۴ مقدار مثبتی را تجربه کرده است.



Δ نمودار ۱۰- رشد ارزش افزوده خدمات عمومی (درصد)

منبع: حساب‌های ملی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و مرکز آمار ایران

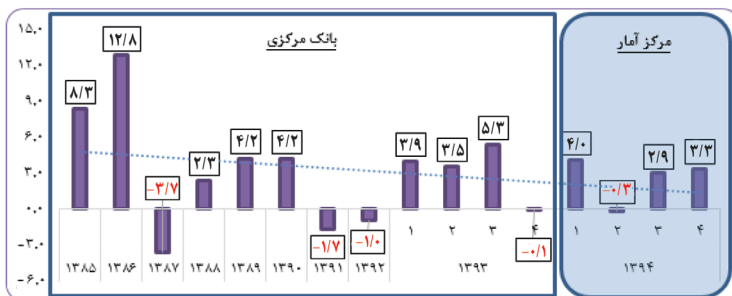
مشاهده سری زمانی رشد ارزش افزوده در بخش‌های مختلف اقتصاد علاوه بر آنکه گویای رشد پایین و در برخی سال‌ها رشد منفی ارزش افزوده کل اقتصاد است، می‌تواند نشان‌دهنده کیفیت رشد اقتصادی نیز باشد. به بیان دیگر، رشد نوسانی ارزش افزوده در بخش‌های مختلف اقتصادی در ایران دلالت بر

مشکلات ساختاری طرف عرضه و ضعف در ساختار تولید کشور برای رسیدن به یک رشد مستمر و با تغییرپذیری محدود دارد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که نرخ رشد ارزش افزوده اقتصاد در طی ۱۰ سال گذشته، بسیار پایین بوده و در برخی از سال‌ها حتی منفی شده است.

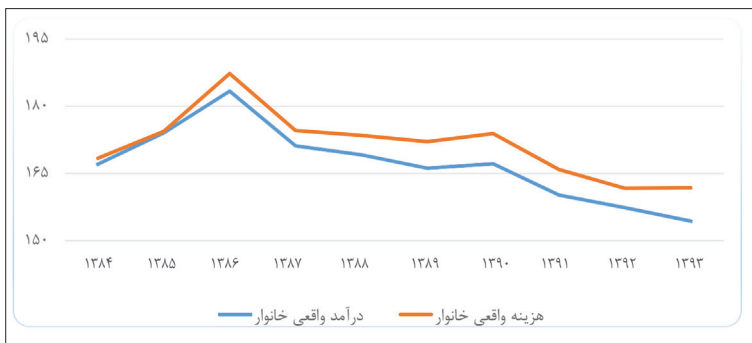
اما همان‌طور که در قسمت مبانی نظری نیز بیان شد، در شرایط تورمی، کمبود تقاضای مؤثر می‌تواند به مشکل رکود تورمی در اقتصاد دامن زند. شواهد موجود در این زمینه حکایت از کاهش قدرت خرید خانوارها و تقاضای اقتصاد دارد. مشاهده روند رشد اجزای تقاضای کل به خوبی بیانگر وجود کمبود تقاضای مؤثر طی سال‌های گذشته در اقتصاد ایران است.

به‌منظور تبیین بیشتر این موضوع، رشد هزینه‌های مصرفی بخش خصوصی به قیمت‌های ثابت در نمودار ۱۱ نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، این متغیر طی سال‌های ۹۴-۱۳۸۵ یک روند نزولی را طی کرده است. نرخ سود سپرده واقعی مثبت و بالای بانکی (که باعث تبدیل مصرف به پس‌انداز شده است)، کاهش درآمد واقعی خانوارهای شهری (مطابق آنچه در نمودار ۱۲ نشان داده شده است)، و به‌تعمیق انداختن تقاضای مصرفی توسط بخش خصوصی به دلیل شکل‌گیری انتظارات مثبت در مورد دوران بعد از رفع تحریم‌ها، از علل اصلی عدم رشد مناسب مخارج مصرفی طی سال‌های گذشته بوده‌اند.



Δ نمودار ۱۱- رشد هزینه‌های مصرف نهایی بخش خصوصی به قیمت ثابت (درصد)

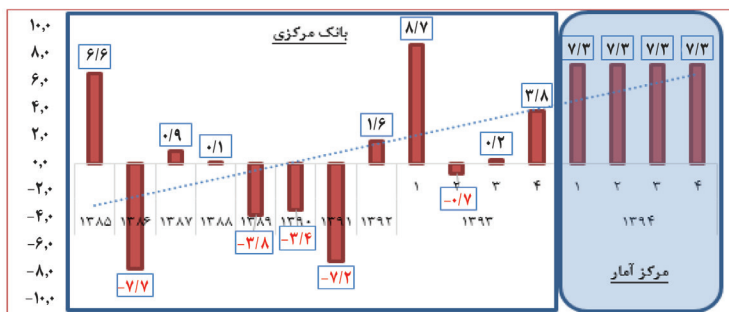
منبع: حساب‌های ملی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و مرکز آمار ایران



Δ نمودار ۱۲- روند تغییرات درآمد و هزینه واقعی خانوارهای شهری (میلیون ریال؛ ۱۳۹۰=۱۰۰)

منبع: نتایج بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

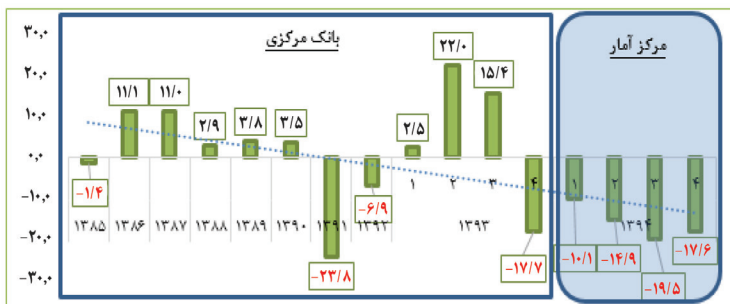
هزینه‌های بخش دولتی بخش دیگری از تقاضای کل اقتصاد را تشکیل می‌دهند. همان‌طور که در نمودار ۱۳ ملاحظه می‌شود، رشد هزینه‌های مصرف نهایی بخش دولتی طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱ منفی بوده که این به معنای کاهش مقدار مخارج مصرفی دولت است. البته، رشد این متغیر طی سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ اندکی مثبت شده و در سال ۱۳۹۴ این رشد مثبت بیشتر هم شده است.



Δ نمودار ۱۳- رشد هزینه‌های مصرف نهایی بخش دولتی به قیمت ثابت (درصد)

منبع: حساب‌های ملی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و مرکز آمار ایران

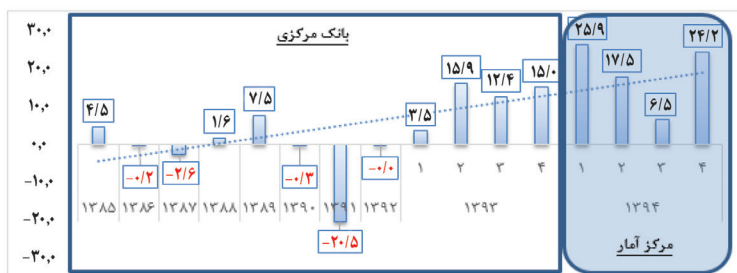
یکی دیگر از مؤلفه‌ها و اجزای مهم در تقاضای کل اقتصاد میزان سرمایه‌گذاری است. همان‌طور که در نمودار ۱۴ نشان داده شده است، رشد سرمایه‌گذاری طی سال‌های ۱۳۹۱، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۴ به شدت منفی بوده است. در سال ۱۳۹۳ رشد این متغیر در فصول مختلف نوسانات زیادی داشته ولی، در مجموع مثبت بوده است.



Δ نمودار ۱۴- رشد سرمایه‌گذاری به قیمت ثابت (درصد)

منبع: حساب‌های ملی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و مرکز آمار ایران

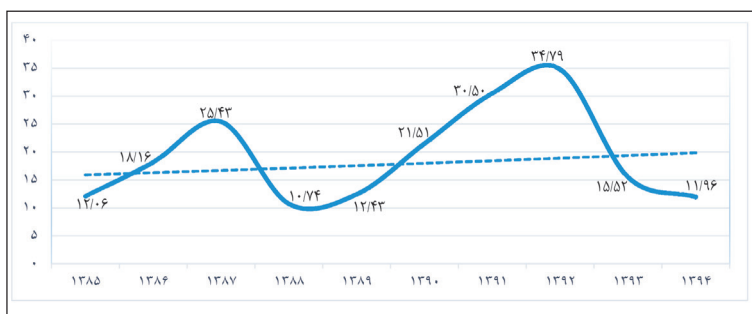
صادرات کالا و خدمات نیز جزء دیگری از تقاضای کل اقتصاد محسوب می‌شود. این جزء می‌تواند تا حدودی جبران‌کننده کمبود تقاضای داخلی و کاهش قدرت خرید در داخل باشد. البته، چنانچه اقتصاد جهانی نیز با رکود مواجه باشد، این عوامل به کاهش تقاضای کل اقتصاد کشور دامن خواهد زد. بر اساس اطلاعات صادرات کالاها و خدمات، رشد این متغیر طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ منفی بوده است؛ یعنی، در این سال‌ها کاهش صادرات که عمدتاً به دلیل تشدید تحریم‌ها به وقوع پیوسته بود، اثر کاهش تقاضای داخلی را تشدید می‌کرد. در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ افزایش معناداری در نرخ رشد این متغیر رخ داد. شایان ذکر است که رشد صادرات به قیمت ثابت در سال ۱۳۹۴ به دلیل افزایش شاخص قیمت صادرات بوده و مقدار مطلق صادرات نسبت به سال ۱۳۹۳ کاهش یافته است.



Δ نمودار ۱۵- رشد صادرات کالاها و خدمات به قیمت ثابت (درصد)

منبع: حساب‌های ملی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و مرکز آمار ایران

باعنایت به مراتب فوق و در یک جمع‌بندی می‌توان چنین بیان کرد که کاهش ارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصاد و بنابراین، کاهش عرضه و نیز کاهش تقاضای کل اقتصاد طی سال‌های اخیر و پس از سال ۱۳۹۰ به رکود عمیق اقتصاد دامن زده است. همزمان، اقتصاد ایران تورم بالایی را در این سال‌ها تجربه کرده است. در نمودار ۱۶ روند زمانی تورم طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴ ارائه شده است.



نمودار ۱۶- رشد شاخص بهای قیمت مصرف‌کننده (تورم) سال پایه ۱۳۹۰ (درصد)

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

به‌غیر از عوامل نهادی ایجادکننده تورم، رشد تورم از سال ۱۳۹۰ به بعد ناشی از وجود چند شوک بوده است. این شوک‌ها عبارت‌اند از: شوک ناشی از اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، شوک حاصل از تحریم‌های بین‌المللی، شوک ناشی از افزایش نرخ ارز و شوک محدودیت‌های تجاری (عبدالهی، ۱۳۹۳). افزایش هزینه‌های تولید، افزایش انتظارات تورمی و افزایش توان قیمت‌گذاری دلبخواه بنگاه‌ها را می‌توان از کانال‌های تأثیرگذاری اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها بر تورم بیان داشت. کاهش توان تولیدی بخش‌های اقتصادی ناشی از محدودیت‌های تجاری و افزایش قیمت نهایی کالاهای وارداتی از یک سو و کاهش صادرات نفت و فشار برای پولی کردن کسری بودجه دولت از سوی دیگر سبب شد که در این دوره تورم رشد بالایی داشته‌باشد.

در ادامه و پس از تبیین شواهد وجود رکود تورمی در اقتصاد ایران، مکانیسم‌های اثرگذاری پدیده رکود تورمی بر صندوق‌های بیمه اجتماعی با

تمرکز بر سازمان تأمین اجتماعی بررسی شده است؛ چراکه برای برون‌رفت از مشکلاتی که برای صندوق‌های بیمهٔ اجتماعی به وجود آمده است، ابتدا باید فهم درستی از دلایل بروز آنها پیدا کرد. به‌عنوان مثال، ابتدا باید مسیرها و کانال‌های احتمالی اثرگذاری رکود تورمی بر صندوق‌ها شناسایی و احصا گردد تا بتوان راهکارهایی عملیاتی برای کاهش آسیب‌پذیری صندوق‌ها ارائه کرد. پس از شناسایی این کانال‌های اثرگذاری، در گام بعدی می‌توان به این موضوع پرداخت که میزان این اثرگذاری‌ها چه اندازه بوده است. گام اول که با هدف شناسایی مسیرهای اثرگذاری رکود تورمی بر صندوق‌های تأمین اجتماعی انجام می‌گیرد، از نوع مطالعات تحلیلی - توصیفی است و گام دوم نیازمند استفاده از داده‌ها و محاسبات عددی است. در این مطالعه تنها بر شناسایی مسیرهای احتمالی اثرگذاری رکود تورمی بر صندوق‌های بیمهٔ اجتماعی (با تأکید بر سازمان تأمین اجتماعی) تمرکز شده و برآورد میزان این اثرگذاری‌ها نیازمند مطالعات متعدد دیگری است.

تبیین مکانیسم‌های اثرگذاری رکود تورمی بر صندوق‌های بیمهٔ اجتماعی

طبق قانون تأمین اجتماعی، منابع درآمدی سازمان تأمین اجتماعی شامل درآمد حاصل از دریافت حق بیمه، درآمد حاصل از وجوه و ذخایر، وجوه حاصل از دریافت خسارات و جرایم، و کمک‌ها و هدایا می‌باشد. رکود تورمی می‌تواند از کانال‌های مختلف این منابع درآمدی را تحت تأثیر قرار دهد. از طرف دیگر، مصارف صندوق‌های بیمه‌ای نیز از این شرایط متأثر می‌گردد. در ادامه به تشریح برخی از این کانال‌های اثرگذاری پرداخته شده است.

کانال‌های اثرگذاری رکود تورمی بر منابع صندوق‌های بیمهٔ اجتماعی

بررسی بودجه‌های سنواتی سازمان تأمین اجتماعی نشان می‌دهد درآمدهای ناشی از حق بیمه و درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها و ذخایر دو منبع مهم و قابل توجه از منابع سازمان به شمار می‌آیند.

▲ اثرات رکود تورمی بر درآمدهای حاصل از دریافت حق بیمه

درآمدهای حاصل از حق بیمه به عوامل مختلفی از جمله تعداد بیمه‌شدگان و دستمزد آنها بستگی دارد. در دوران رکود تورمی که به دلیل شرایط رکودی حاکم بر اقتصاد، نرخ بیکاری افزایش می‌یابد و اشتغال جدید ناچیز و یا حتی صفر در اقتصاد تجربه می‌شود، تعداد بیمه‌شدگان جدید اگر با کاهش مواجه نشده باشد، افزایش مناسب و معنی‌داری پیدا نمی‌کند. این مهم می‌تواند نشست گرفته از انحلال، ورشکستگی و در پی آن، تعطیلی کارگاه‌های کوچک، متوسط و بزرگ باشد. به علاوه، کاهش فعالیت‌های پیمانکاری و اخراج برخی کارگران در نتیجهٔ تولید زیر ظرفیت بنگاه از دیگر شواهد تجربه‌شده در دوران رکود هستند. لذا از این منظر، منابع و درآمدهای بیمه‌ای سازمان‌های بیمه‌گر تحت فشار قرار می‌گیرند.

وقتی اقتصاد وارد مرحلهٔ رکودی می‌شود، ارزش افزودهٔ بخش‌های مختلف اقتصاد (مانند صنعت و خدمات) کاهش پیدا می‌کند. با توجه به آنکه حق بیمه‌ها در اثر تعدیل مزدها متناسب با نرخ تورم، هر سال تعدیل می‌شوند، بار بیمه‌های اجتماعی (نسبت منابع حاصل از حق بیمه به تولید بخش‌های اقتصادی) افزایش می‌یابد. به بیان دیگر، بنگاه‌های اقتصادی تمایل کمتری به بیمه کردن کارگران خود خواهند داشت. این امر در نهایت، می‌تواند منجر به گسترش فرار بیمه‌ای گردد و از این کانال نیز سمت منابع تحت تأثیر منفی قرار گیرد.

همچنین، در پی تصویب برخی قوانین، گروه‌هایی همچون رانندگان، خادمان مساجد، نویسندگان و پدیدآورندگان آثار، کارگران ساختمانی، قالببافان و

هنرمندان صنایع دستی به صورت حمایتی بیمه شده‌اند؛ به گونه‌ای که بخش عمده‌ای از حق بیمه باید توسط دولت و از محل یارانه‌ها پرداخت می‌شود. اما با توجه به محدودیت منابع مالی دولت که خود می‌تواند ناشی از شرایط رکود تورمی باشد، عملاً این مبالغ به سازمان پرداخت نشده و از این محل سازمان با مشکل مواجه شده است. بر این اساس، می‌توان گفت نرخ مؤثر حق بیمه عملاً کمتر از مقادیر اسمی حق بیمه (۳۰ درصد) است.

در شرایط رکود تورمی، افزایش تعدیل نیروی کار و بیکاری، افزایش بار بیمه‌های اجتماعی، کاهش تولید و ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی و در نهایت، افزایش محدودیت منابع مالی دولت منجر به کاهش دریافتی‌های سازمان از محل حق بیمه شده است.

▲ اثرات رکود تورمی بر درآمدهای حاصل از وجوه و ذخایر

یکی دیگر از منابع مهم درآمدی سازمان‌های بیمه‌ای همچون سازمان تأمین اجتماعی، درآمدهای حاصل از سرمایه‌گذاری وجوه است. صندوق‌های مختلف بیمه‌ای منابع خود را در بخش‌های مختلف و بعضاً متعددی سرمایه‌گذاری می‌کنند. در سازمان تأمین اجتماعی به‌طور مشخص، سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلف از طریق شرکت‌ها و هلدینگ‌ها انجام می‌گیرد. به‌طور کلی، انتظار می‌رود در شرایطی که اقتصاد با رکود تورمی مواجه است، درآمدهای حاصل از سرمایه‌گذاری وجوه کاهش یابد. یکی از دلایل این کاهش را می‌توان در افزایش قیمت تمام‌شده محصولات تولیدی در نتیجه تورم موجود و لذا، کاهش حاشیه سود بنگاه‌ها جستجو کرد. دلیل دیگر آن است که با عنایت به کاهش میزان قدرت خرید مصرف‌کنندگان و کمبود تقاضای مؤثر، از میزان تقاضا از محصولات و خدمات تولیدی بنگاه‌های اقتصادی کاسته می‌شود و در نتیجه، فروش بنگاه‌ها با کاهش مواجه شده، سودشان کاهش می‌یابد. به‌علاوه، به دلیل شرایط تورمی حاکم، هزینه‌های اداری و مالی شرکت‌ها افزایش پیدا کرده و سود شرکت‌ها کاهش پیدا می‌کند.

به‌منظور تبیین دقیق‌تر اثرگذاری رکود تورمی بر درآمدهای حاصل از

سرمایه‌گذاری می‌توان به برخی از مصادیق در سرمایه‌گذاری‌های سازمان تأمین اجتماعی اشاره کرد. برخی از هلدینگ‌هایی که سرمایه‌گذاری‌های سازمان از طریق آنها انجام می‌گیرد، عبارت‌اند از: هلدینگ عمران و حمل‌ونقل، هلدینگ صدر تأمین، هلدینگ دارویی، هلدینگ سیمان و شرکت صبا تأمین. شرایط رکود تورمی بر فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری هر یک از این هلدینگ‌ها اثرگذار است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود. لازم به ذکر است در اینجا به تبیین و تشریح آثار رکود تورمی بر هر یک از هلدینگ‌های یادشده قناعت شده است و ارزیابی میزان این اثرگذاری‌ها می‌تواند موضوع مطالعه‌ای مستقل باشد.

۱. هلدینگ عمران و حمل‌ونقل تأمین

هلدینگ عمران و حمل‌ونقل تأمین یک بنگاه اقتصادی چند رشته‌ای است که در بخش ساختمان بر روی پروژه‌های مسکونی و در بخش عمران بر انجام فعالیت‌های پیمانکاری متمرکز است. به‌علاوه، این هلدینگ در حوزه حمل‌ونقل به حمل‌ونقل ریلی کالا و مسافر، و حمل‌ونقل دریایی مبادرت می‌ورزد.^۱

شرایط رکود تورمی که بخش مسکن را تحت تأثیر قرار داده، عملاً فعالیت‌های مرتبط با ساختمان را با کاهش سودآوری مواجه کرده است که نتیجه منطقی آن کاهش میزان این فعالیت‌ها است. افزون‌بر آن، این دوران که با کاهش چشمگیر فعالیت‌های عمرانی دولت همراه است، کاهش فعالیت‌های پیمانکاری را به دنبال داشته است. همچنین، به دلیل مشکلات مالی و بودجه‌ای دولت، بسیاری از پیمانکاران موفق به دریافت مطالبات خود از دولت نشده‌اند. همه این موارد منجر به کاهش فعالیت این هلدینگ و میزان سودآوری آن می‌شود. در رابطه با حمل‌ونقل ریلی نیز با توجه به رکود حاکم بر اقتصاد و کاهش قدرت خرید مردم، کاهش ارائه خدمات حمل‌ونقل در هر دو حوزه بار و مسافر دور از انتظار نخواهد بود.

۲. سرمایه‌گذاری سیمان تأمین

سیمان محصول اصلی هلدینگ سیمان به حساب می‌آید. سیمان یکی از

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر ر.ک. به: <http://www.ssic.ir/Default.aspx?tabid=99>

مهم‌ترین و پرمصرف‌ترین کالاهای در جهان است، به‌گونه‌ای که دومین محصول پرمصرف جهان پس از آب به حساب می‌آید. این کالا از مهم‌ترین مواد اولیه در تهیه بسیاری از مصالح ساختمانی و ساخت سازه‌هایی نظیر ساختمان‌ها، پل‌ها، جاده‌ها، سدها، تونل‌ها، بنادر و اسکله‌هاست و در موارد تخصصی جایگزینی هم ندارد. باعنایت به رکود عمیق حاکم بر بازار ساخت‌وساز مسکن و کاهش شدید فعالیت‌های عمرانی دولت در شرایط رکود تورمی، و نظر به سهم بیش از ۳۰ درصدی سیمان این شرکت در کل بازار، کاهش فعالیت و سودآوری شرکت سرمایه‌گذاری سیمان کاملاً قابل‌تصور و محتمل به نظر می‌رسد.

۳. سرمایه‌گذاری صدر تأمین

شرکت سرمایه‌گذاری صدر تأمین یک هلدینگ تخصصی در حوزه صنایع معدنی و فلزی است که از طریق اداره شرکت‌ها در حوزه تخصصی صنایع معدنی فلزی و غیرفلزی در جهت پی‌جویی، شناسایی، اکتشاف، استخراج و فراوری کانی‌های فلزی و غیرفلزی و صنایع وابسته فعالیت می‌کند. برخی از محصولات این شرکت عبارت‌اند از: انواع لعاب، آجر نسوز، پشم شیشه و عایق لوله، ایزوگام، کائولن فراوری‌شده و خام، کاشی و سرامیک و غیره. لعاب در صنعت کاشی و سرامیک، آجر نسوز در صنایع فولاد، سیمان و بعضاً ساختمان‌سازی، پشم شیشه در عایق‌کاری موتورخانه ساختمان‌ها، لوله‌کشی‌ها و مخازن و تانکرهای آبی - که زیر تابش مستقیم نور خورشید قرار دارند - و به‌عنوان عایق صوتی و حرارتی، ایزوگام به علت سبکی و مقاومت زیاد به‌عنوان یک عایق رطوبتی در پشت بام‌ها، ایرانیت، پی ساختمان، استخرها، مخازن آب، تونل‌ها، کانال‌های آبیاری، سرویس‌های بهداشتی، سردخانه‌ها، سدها، پل‌های هوایی، باند فرودگاه، پارکینگ‌های طبقاتی و لوله‌های آب، گاز و نفت، و کائولن در صنایع کاغذسازی، رنگ‌سازی، لاستیک‌سازی، پلاستیک، تولید کودهای شیمیایی، فایبرگلاس و ساخت لوازم آرایشی و بهداشتی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، فروش بسیاری از محصولات فوق در شرایطی که رکود بر اقتصاد کشور حاکم است و قدرت خرید مصرف‌کنندگان



تقلیل یافته است، با کاهش مواجه می‌شود. با کاهش فروش محصولات، سودآوری شرکت تحت تأثیر قرار می‌گیرد. از طرف دیگر، به دلیل وجود تورم در اقتصاد و افزایش هزینه اقلام واسطه‌ای در تولید محصول نهایی، قیمت تمام‌شده محصولات افزایش پیدا می‌کند که باتوجه به دشواری افزایش قیمت فروش محصول در شرایط رکودی - که می‌تواند به کاهش بیشتر فروش دامن بزند - کاهش سودآوری محتمل است.

۴. سرمایه‌گذاری نفت و گاز و پتروشیمی تأمین

شرکت سرمایه‌گذاری نفت و گاز و پتروشیمی تأمین (تاپیکو) یک هلدینگ است که در حوزه‌های بالادستی صنعت پتروشیمی با اولویت گروه متانول، الفین و پلی‌الفین‌ها، در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز با اولویت تولید نفت و گاز در میادین مشترک، در بخش پایین‌دستی صنعت نفت با اولویت پالایشگاه‌های میعانات گازی، ایجاد پتروپالایشگاه‌ها و توسعه خوراک واحدهای پتروشیمی با اولویت طرح‌های NGL و در بخش پایین‌دستی پتروشیمی با اولویت محصولات تکمیل‌کننده زنجیره ارزش فعالیت می‌کند.

برخی از مهم‌ترین محصولات تولیدی این شرکت عبارت است از: متانول، پلی‌اتیلن، بنزن، اتیلن، پی‌وی‌سی، اوره و قیر. متانول به‌صورت محدود به‌عنوان سوخت در موتورهای با سیستم احتراق داخلی استفاده می‌شود. پلی‌اتیلن‌ها کاربرد فراوانی در تولید انواع لوازم پلاستیکی مورد استفاده در آشپزخانه و صنایع غذایی دارند. بنزن در تهیه شوینده‌ها و رنگ‌ها به کار می‌رود. اتیلن ماده اولیه مهمی برای تولید بسیاری از ترکیبات آلی پر مصرف در صنعت به شمار می‌رود. اتیلن به‌صورت گسترده در صنعت پلاستیک مورد استفاده قرار می‌گیرد. پی‌وی‌سی یکی از ارزشمندترین محصولات صنعت پتروشیمی است. به‌طور عمومی بیشتر از ۵۰ درصد پی‌وی‌سی در ساختمان‌سازی استفاده می‌شود؛ زیرا پی‌وی‌سی ارزان بوده و به‌سادگی سرهم‌بندی می‌شود. اوره به‌صورت گسترده‌ای در کودهای شیمیایی به‌عنوان یک منبع غنی و مناسب نیتروژن استفاده می‌شود و یکی از مواد اولیه مهم در صنایع شیمیایی است. در مورد محصول قیر حدود ۹۰ درصد از قیر تولیدی، در حوزه راه‌سازی مورد استفاده قرار می‌گیرد و بقیه آن به



مصارف عایق کاری اختصاص پیدا می‌کند. با معرفی این محصولات واضح است که رکود اقتصادی و کاهش فعالیت‌های عمرانی و پیمانکاری، تقاضای محصولات فوق را با کاهش مواجه خواهد کرد و لذا، منجر به کاهش فروش محصولات این هلدینگ و شرکت‌های آن می‌شود.

۵. سرمایه‌گذاری صبا تأمین

شرکت صبا تأمین یک هلدینگ مالی است که با ارائه خدمات در بازارهای مالی، نیازهای مجموعه شستا و هلدینگ‌های تابعه آن را تأمین می‌نماید.^۱ پرواضح است که رکود بازارهای مالی و بازار سرمایه در کشور که در پی شرایط رکودی حاکم بر اقتصاد اتفاق افتاده است، منجر به کاهش فعالیت و سودآوری این بازار و فعالان آن می‌گردد.

بر اساس آنچه بیان شد، انتظار می‌رود که شرایط رکود تورمی به شدت فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری سازمان را در حوزه‌های مختلف فعالیت تحت تأثیر قرار دهد.

در این بخش کانال‌های انتظاری اثرگذاری رکود تورمی بر حوزه‌های سرمایه‌گذاری سازمان تأمین اجتماعی تشریح شد، این در حالی است که می‌توان به‌منظور محاسبه کمی این اثرات، وضعیت هر یک از صنایع و فعالیت‌ها را به تفکیک مورد بررسی قرار داد که مستلزم مطالعه جداگانه‌ای است.

▲ اثرات رکود تورمی بر وصول منابع از دولت

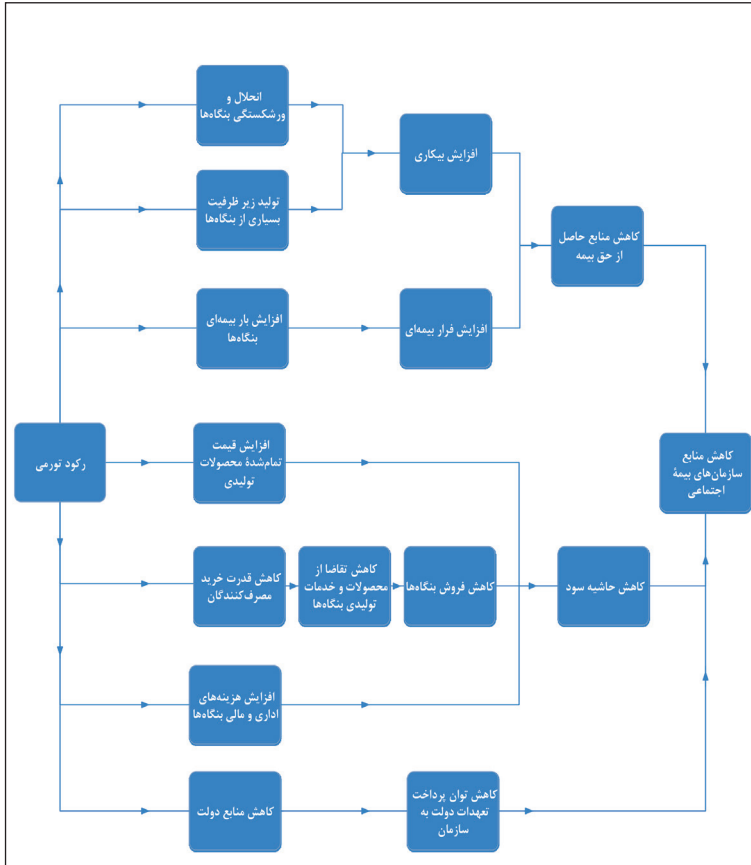
یکی از منابع درآمدی سازمان تأمین اجتماعی که سهم آن طی سال‌های اخیر در کل منابع سازمان افزایش پیدا کرده است، منابع دریافتی از دولت بابت سهم دولت از حق بیمه‌ها و سایر تعهدات بیمه‌ای است که دولت متعهد به پرداخت آنها شده است. در حال حاضر، قریب به ۲۲ ردیف قانونی وجود دارد

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر ر.ک. به: <http://www.ssic.ir/Default.aspx?tabid=95>

که مطابق با آنها، دولت تعهداتی را در رابطه با حق بیمه سهم کارفرمایی بر عهده گرفته است. حق بیمه کارگاه‌های کمتر از پنج نفر، دوره خدمت سربازی، بیمه رانندگان، قالیبافان، و خادمین مساجد از جمله این ردیف‌ها هستند.

در حالی که طبق تبصره دو و سه از ماده ۲۸ قانون تأمین اجتماعی، دولت مکلف شده تا حق بیمه سهم خود را به طور یکجا در بودجه‌های سالانه کل کشور منظور و پرداخت نماید، تاکنون این مهم محقق نگردیده است. با توجه به عدم پرداخت مطالبات سازمان از سوی دولت، امروز حجم عظیمی از بدهی‌های دولتی به سازمان تأمین اجتماعی وجود دارد که باید پرداخت گردد. شرایط رکود تورمی و عوامل ایجادکننده آن در ایران، توان دولت را در پرداخت و انجام تعهدات کاهش می‌دهد؛ یعنی، با فرض آنکه دولت در صورت داشتن وضع مالی مناسب، تعهدات خود در قبال سازمان را انجام می‌داد، در شرایط بحران مالی و تنگنای منابع درآمدی، در انجام این تعهدات با مشکل مواجه می‌شد. بنابراین، رکود تورمی وصولی و منابع سازمان از این ناحیه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

با توجه به آنچه گفته شد، کانال‌های اثرگذاری پدیده رکود تورمی بر منابع صندوق‌های بیمه اجتماعی در شکل ۱ ترسیم شده است.

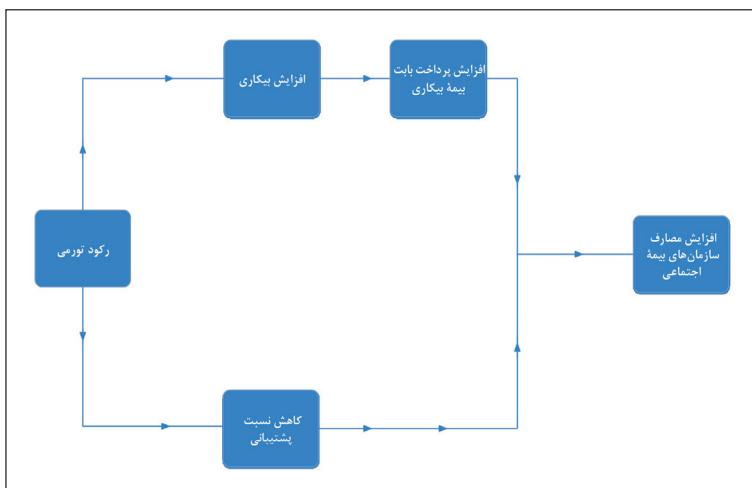


شکل ۱- کانال‌های اثرگذاری رکود تورمی بر منابع سازمان و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی

در شرایط رکود تورمی که همزمان دو پدیده رکود و تورم وجود دارد، علاوه بر اینکه منابع سازمان بر اساس آنچه در قسمت قبل به آن پرداخته شد، متأثر شده و با کاهش معناداری مواجه می‌شود، سمت مصارف سازمان نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. این اثرپذیری از چند ناحیه صورت می‌پذیرد.

نخست، در شرایط رکودی که با افزایش نرخ بیکاری و کاهش اشتغال همراه است، ورودی‌های صندوق بیمه بیکاری بیشتر شده و پرداختی‌های سازمان بابت بیمه بیکاری افزایش پیدا می‌کند و از این کانال مصارف سازمان افزایش می‌یابد.

دوم، نسبت جایگزینی که عبارت است از نسبت میزان پرداخت مستمری به دریافت حق بیمه، در شرایط رکود تورمی برای سازمان افزایش پیدا می‌کند. به بیان دیگر، اگرچه باتوجه به تورم موجود در اقتصاد و تعدیلات سالیانه حداقل دستمزد متناسب با میزان تورم، حق بیمه‌های دریافتی سازمان افزایش پیدا می‌کند اما، به دلیل شرایط رکودی حاکم بر اقتصاد، و انحلال و ورشکستگی برخی واحدهای تولیدی، ورودی منابع اگر کاهش پیدا نکرده باشد، با سرعت بسیار کمتری نسبت به افزایش مصارف که نقداً می‌بایست انجام پذیرد، افزایش می‌یابد. این مهم به معنای افزایش بار هزینه‌ای بر دوش سازمان است. در یک تحلیل مشابه می‌توان گفت این انتظار وجود دارد که نسبت پشتیبانی در شرایط رکود تورمی کاهش پیدا کند؛ به این معنا که در ازای تعداد افرادی که مستمری از سازمان دریافت می‌کنند، تعداد کمتری به سازمان بیمه پرداخت می‌نمایند. این نیز خود به مثابه افزایش بار هزینه‌ای سازمان تأمین اجتماعی است. کانال‌های تأثیرگذاری رکود تورمی بر مصارف سازمان‌های بیمه اجتماعی در شکل ۲ نمایش داده شده است.



Δ شکل ۲- کانال‌های اثرگذاری رکود تورمی بر مصارف سازمان‌های بیمه اجتماعی

رویکردهای ناظر بر کاهش آسیب‌پذیری صندوق‌های بیمه اجتماعی در شرایط رکود تورمی

در بخش قبلی برخی از مهم‌ترین کانال‌های اثرگذاری پدیده رکود تورمی بر وضعیت صندوق‌های بیمه اجتماعی و به‌طور مشخص سازمان تأمین اجتماعی مورد بحث قرار گرفت. در این بخش به برخی رویکردهای قابل اتخاذ به‌منظور کاهش این آسیب‌پذیری پرداخته می‌شود. به‌طور کلی، این رویکردها را می‌توان به دو قسمت تفکیک کرد؛ برخی راهکارها بخشی بوده و معطوف به حوزه عملکرد صندوق‌های بیمه اجتماعی است و برخی دیگر مرتبط با فضای اقتصاد کلانی است که در بستر آن، صندوق‌های بیمه اجتماعی فعالیت می‌کنند.

رویکرد بخشی به اصلاحات ساختاری در صندوق‌های بیمه اجتماعی

اگرچه شرایط اقتصاد کلان سهم قابل توجهی در عملکرد صندوق‌های بیمه اجتماعی دارد^۱، اما، نحوه اداره و مدیریت صندوق‌ها در شرایط رکود تورمی نیز مقوله‌ای است که باید مورد توجه قرار گیرد. مدیریت صندوق‌ها در شرایط رکود تورمی باید متفاوت از شرایط معمول اقتصادی باشد. باین‌حال، ممکن است برخی راهکارهای ارائه‌شده با راهکارهایی که در شرایط معمول اقتصادی به صندوق‌ها توصیه می‌شوند، تفاوت چندانی نداشته باشند ولی، جدیت در پیگیری و پیاده‌سازی این راهکارها در شرایط رکود تورمی سبب می‌شود صندوق‌های بیمه اجتماعی در این وضعیت آسیب کمتری ببینند.^۲

۱. افزایش بهره‌وری در صندوق‌های بیمه اجتماعی

بهره‌وری موضوعی است که باید همواره مد نظر مدیران و سیاست‌گذاران صندوق‌ها قرار گیرد (ILO، ۲۰۰۱). اما در شرایط رکود تورمی که منابع صندوق‌ها محدود می‌شود و هزینه‌ها افزایش می‌یابد، توجه بیش‌ازپیش به موضوع بهره‌وری در منابع و مصارف صندوق‌ها ضروری است. بنابراین، شناسایی و تدوین راهکارهای مختلف برای افزایش بهره‌وری در حوزه بودجه‌ریزی، نیروی انسانی و سرمایه‌گذاری صندوق‌های بازنشستگی در شرایط رکود تورمی از اهمیت بسزایی برخوردار است. برای مثال، یکی از راهکارهای کاهش هزینه‌های اداری صندوق‌ها و افزایش بهره‌وری، گسترش فناوری اطلاعات در حوزه‌های مختلف است (هادیان و همکاران، ۱۳۸۷). گسترش فناوری اطلاعات علاوه بر آنکه هزینه‌های اداری و اجرایی وصول درآمدها را کاهش می‌دهد، دقت در دریافت‌ها را نیز بهبود می‌بخشد. به‌عنوان مثالی دیگر، سازمان تأمین اجتماعی املاک و مستغلاتی دارد که به‌صورت تبعی و یا به‌طور مستقیم مالک آنها است. یکی از راهکارهای

۱. توضیحات بیشتر در این خصوص در بخش بعد ارائه می‌شود.

۲. البته برخی از راهکارهای ارائه‌شده نیازمند تعامل و همکاری متقابل میان دولت و صندوق‌های بیمه اجتماعی به‌خصوص سازمان تأمین اجتماعی به‌عنوان بزرگترین صندوق بیمه اجتماعی کشور است.

افزایش بهره‌وری در دارایی و مستغلات، اجاره آن به بخش خصوصی است تا در شرایط رکودی، منابعی برای سازمان حاصل شود. بنابراین، باید دستورالعمل‌های مشخص و قابل‌اندازه‌گیری در حوزه بهره‌وری در صندوق‌ها تعریف شود تا با بررسی و نظارت مستمر آن و برطرف کردن مشکلات، بهره‌وری در صندوق‌ها بهبود یابد.

۲. مشارکت در ایجاد و توسعه بازار بدهی دولت

ساماندهی و شفافیت بدهی دولت به بخش‌های مختلف اقتصادی از جمله صندوق‌های تأمین اجتماعی، به‌عنوان راهکاری در شرایط رکود تورمی ضروری است (قریشی و همکاران، ۱۳۹۴؛ موسوی‌نیک و همکاران، ۱۳۹۳). یکی از مشکلات صندوق‌های بیمه اجتماعی به‌خصوص سازمان تأمین اجتماعی، حجم بالای بدهی دولت به این نهادها است. وجود بدهی زیاد دولت به سازمان تأمین اجتماعی و عدم برنامه‌ریزی دولت برای مدیریت و پرداخت آن سبب می‌شود فشار بودجه‌ای به این سازمان دوچندان شود. از آثار فشار بودجه‌ای سازمان در شرایط رکودی، کاهش کیفیت خدمات ارائه‌شده به بیمه‌شدگان است (کلدی و سمواتیان، ۱۳۸۷؛ موسایی و شوقی، ۱۳۸۶؛ هادیان و همکاران، ۱۳۸۷). عدم توانایی سازمان در وصول مطالبات سبب می‌شود بخشی از منابعی که می‌توانست در طرح‌های سودآور سرمایه‌گذاری شود، صرف مخارج جاری گردد که این فرصت از دست‌رفته آثار خاص خود را به دنبال خواهد داشت.

یکی از راهکارهای پرداخت بدهی دولت، نقد کردن این بدهی‌ها است. می‌توان این نوع بدهی‌ها را از صورت‌های مالی سازمان خارج کرد و در مقابل آن اوراق مالی (اوراق بدهی، اوراق تسویه خزانه، اوراق صکوک و مانند آن) منتشر نمود تا بازاری برای پرداخت بدهی‌های دولت به وجود آید. این راهکار سبب افزایش شفافیت و نقدشوندگی بدهی‌ها از طریق اوراق می‌شود (کرمی و همکاران، ۱۳۹۵). این موضوع لازمه ساماندهی بدهی‌های دولت و وصول مطالبات معوق سازمان از دولت است. در این راستا، سازمان تأمین اجتماعی می‌تواند از طریق تعامل و همکاری با وزارت



امور اقتصادی و دارایی، از ظرفیت‌های قانون رفع موانع تولید و ارتقای نظام مالی کشور بهره‌برداری کند.

۳. ایجاد پرتفوی بهینه در سرمایه‌گذاری‌ها

سازمان تأمین اجتماعی یکی از عمده‌ترین فعالان بازار سرمایه در ایران است. علاوه بر آن، این سازمان مقادیر قابل توجهی سهام در حوزه شرکت‌های غیر بورسی در اختیار دارد. ایجاد پرتفوی بهینه که علاوه بر حداقل کردن ریسک، بالاترین بازدهی را در بازار به همراه داشته باشد، رویکردی ضروری در سرمایه‌گذاری‌ها است (ISSA، ۲۰۱۳). این رویکرد در ماده ۲۶ قانون برنامه پنجم توسعه مورد تأکید قرار گرفت. در این ماده مقرر شد تا به منظور «کاهش وابستگی این صندوق‌ها به کمک از محل بودجه عمومی دولت به استثناء سهم قانونی دولت در حق بیمه در طول برنامه، از طرق مختلف از جمله تنظیم عوامل مؤثر بر منابع و مصارف صندوق‌ها منطبق بر محاسبات بیمه‌ای، کاهش حمایت‌های غیربیمه‌ای صندوق‌ها و انتقال آن به نهادهای حمایتی، تقویت سازوکارهای وصول به موقع حق بیمه‌ها و تقویت فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری سودآور با اولویت سرمایه‌گذاری در بازار پول و سرمایه، به نحوی که سود سرمایه‌گذاری موردنظر کمتر از سود اوراق مشارکت بانکی نباشد» اقدام شود.

فروش و واگذاری شرکت‌های کم‌بازده و یا شرکت‌هایی که در حوزه استراتژی بلندمدت صندوق‌ها قرار نمی‌گیرند، از دیگر راهکارهای کاهش آسیب‌پذیری صندوق‌های بیمه اجتماعی در دوران رکود تورمی است. برای مثال، در این راستا سازمان تأمین اجتماعی می‌تواند در مذاکره با دولت، آن بخش از سهام شرکت‌هایی که طی سال‌های گذشته به صورت رد دیون به سازمان تحمیل شده‌اند را شناسایی و قرارداد آنها را اقاله نماید تا سازمان خصوصی‌سازی بر اساس مصوبه دولت، سهام این نوع شرکت‌ها را در بازار به فروش رسانده و منابع آن را به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت نماید. سرمایه‌گذاری در حوزه‌ها و بخش‌هایی که کمتر تحت تأثیر رکود تورمی اقتصاد قرار گرفته‌اند، با رعایت استراتژی‌های بلندمدت سازمان می‌تواند از دیگر راهکارهای مدیریت بهینه سرمایه‌گذاری‌ها باشد. همچنین، گسترش



سرمایه‌گذاری در حوزه‌ها و فعالیت‌های اقتصادی که صندوق در آنها مزیت نسبی بیشتری دارد، از دیگر اقدامات در این عرصه قلمداد می‌شود.

۴. توسعهٔ بنگاه‌های صادرات محور

در شرایطی که تقاضای مؤثر داخلی به علت رکود تورمی با اختلال مواجه است، سازمان‌های بیمهٔ اجتماعی از جمله سازمان تأمین اجتماعی، می‌توانند بنگاه‌های خود را برای توسعهٔ صادرات کالا و خدمات مورد تشویق قرار دهند و یا سرمایه‌گذاری جدیدی را در زمینهٔ برخی کالاها و صادرات محور آغاز نمایند. البته، ورود به این نوع سرمایه‌گذاری به‌منظور توسعهٔ صادرات باید با دو رویکرد کلی سودآوری و امنیت منابع صندوق مد نظر قرار گیرد. مطالعات کارشناسی دقیق در این حوزه از جمله توجه به بازارهای صادراتی بالقوه و فعال در کشورهای همسایه و میزان رقابت‌پذیری کالاها و خدمات صادراتی، در میزان و نحوهٔ توسعهٔ صادرات کالا و خدمات نقش مؤثری ایفا می‌کند.

۵. ایجاد انضباط مالی و معاملاتی در ساختار صندوق‌ها

و افزایش شفافیت در شرکت‌ها

از دیگر راهکارهای مدیریتی برای بهبود عملکرد صندوق‌ها و شرکت‌های زیرمجموعه به‌ویژه در دوران رکود تورمی که صندوق‌ها با مشکلات بیشتری مواجه هستند، ایجاد انضباط مالی و معاملاتی در ساختار آنها و افزایش شفافیت در عملکرد شرکت‌ها است. الزامی کردن گزارش‌دهی دوره‌ای در مقاطع کوتاه‌مدت سبب می‌شود شرکت‌ها عملکرد بهتری داشته باشند (یرمو، ۲۰۰۸). ایجاد سازوکار برای ورود شرکت‌های زیر مجموعهٔ صندوق‌ها به بازار سرمایه نیز می‌تواند علاوه بر آنکه سبب افزایش شفافیت در عملکرد شرکت‌ها شود، شرکت‌ها را ترغیب به گسترش تأمین مالی از طریق بازار سرمایه نماید. همچنین، ارائهٔ اطلاعات شفاف به عموم مردم (ذی‌نفعان) سبب می‌شود مداخلات سیاسی در شرکت‌ها کاهش یابد (نیکوپور، ۱۳۸۴). در مادهٔ ۶ اصلاحی قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل



۴۴ قانون اساسی (مصوب ۱۳۹۳/۴/۱) مقرر شد تا صندوق‌های بازنشستگی از جمله سازمان تأمین اجتماعی، شرکت‌های خود را نزد سازمان بورس و اوراق بهادار ثبت نمایند و مطابق با قوانین بازار سرمایه، نسبت به ارسال گزارش به سازمان بورس اقدام نمایند. از تصویب این ماده تاکنون بیش از دو سال می‌گذرد اما، این حکم قانونی هنوز اجرا نشده است.

۶. کنترل و مدیریت هزینه‌های صندوق‌های بیمه

کنترل و مدیریت هزینه‌ها در صندوق‌های بیمه‌ای از جمله حوزه درمان و پیگیری نظام ارجاع درون سازمانی می‌تواند یک راهکار برای کاهش و یا مدیریت هزینه‌های صندوق‌های بیمه‌ای قلمداد گردد. تعامل و همکاری با وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در خصوص میزان رشد تعرفه‌های پزشکی و برآورد میزان بار مالی آن برای صندوق‌ها به خصوص در شرایط رکود تورمی حائز اهمیت بسیاری است. همچنین، لازم است از وضع قوانین مربوط به بازنشستگی‌های پیش از موعد و یا توسعه افراد تحت پوشش صندوق‌ها بدون پیش‌بینی منابع تأمین مالی در قوانین و مقررات جلوگیری گردد (موسوی، ۱۳۸۲).

۷. افزایش تأمین مالی شرکت‌های زیرمجموعه صندوق‌ها

از طریق بازار سرمایه و گسترش مشارکت اقتصادی با بخش خصوصی

در شرایط رکود تورمی که منابع مالی صندوق‌های بیمه‌ای کاهش می‌یابد و منابع کافی برای مشارکت مستقیم اقتصادی در پروژه‌ها وجود ندارد، می‌توان از صندوق‌های سرمایه‌گذاری پروژه^۱ یا انواع اوراق‌های تأمین مالی

۱. بنا به تعریف، صندوق سرمایه‌گذاری پروژه یک نهاد مالی است که با اخذ مجوز از سازمان بورس و اوراق بهادار تأسیس شده و به جمع‌آوری سرمایه از عموم و تخصیص آن به سرمایه‌گذاری در ساخت و تکمیل پروژه معین اشاره شده در اساسنامه صندوق می‌پردازد. به عبارتی، موضوع فعالیت صندوق پروژه جمع‌آوری وجوه از سرمایه‌گذاران و اختصاص وجوه جمع‌آوری شده به ساخت و رساندن پروژه موردنظر صندوق به مرحله بهره‌برداری، مطابق طرح توجیهی مصوب مجمع صندوق است. صندوق به منظور انجام پروژه موردنظر خود در چهارچوب اساسنامه و با رعایت مقررات، یک شرکت سهامی خاص به نام «شرکت پروژه» تأسیس می‌نماید که آن شرکت، پس از تکمیل و آغاز مرحله بهره‌برداری تبدیل به یک شرکت سهامی عام شده و در بورس یا بازار خارج از بورس پذیرش و قابل معامله می‌شود. پس از



در بازار سرمایه استفاده کرد و به این طریق، سایر فعالان اقتصادی می‌توانند با خرید این اوراق در تأمین مالی پروژه مؤثر باشند. استفاده از انواع روش‌های تأمین مالی سبب گسترش مشارکت اقتصادی و رشد سرمایه‌گذاری در کشور می‌شود. این موضوع به‌طور غیرمستقیم با افزایش اشتغال، سبب بهبود منابع درآمدی صندوق‌های بیمه اجتماعی خواهد شد.

۸. جلوگیری از دولتی شدن ساختار صندوق‌ها

هرچند جلوگیری از مداخلات دولت در اداره شرکت‌های زیرمجموعه صندوق‌های بیمه‌ای از جمله سازمان تأمین اجتماعی و یا احتراز از تحمیل ریسک‌های مدیریتی دولت به شرکت‌های زیرمجموعه صندوق‌ها، موضوعی معطوف به شرایط رکودی نیست اما، موضوع مهمی است که باید مد نظر قرار گیرد تا با اصلاح هرچه سریعتر این مسئله در حوزه قوانین، بخشی از مشکلات نظام تأمین اجتماعی مرتفع گردد (مؤسسه دین و اقتصاد، ۱۳۸۳). در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی دولت مکلف شده که نقش جدید خود در سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت بر اقتصاد ملی را تدوین و اجرا نماید. لذا از این منظر ضروری است که مدیریت دولتی در حوزه تصدی‌گری‌های اقتصادی ورود نداشته باشد.

اهمیت عدم وابستگی ساختاری و مدیریتی صندوق‌ها به دولت در شرایط رکود تورمی بیشتر موضوعیت پیدا می‌کند؛ چرا که در این شرایط منابع مالی دولت با محدودیت مواجه است و به همین دلیل، نفوذ دولت در ساختار صندوق‌ها به دلیل منابع مالی قابل توجهی که صندوق‌ها در اختیار دارند، می‌تواند مزایایی را برای دولت به وجود آورد. این موضوع سبب می‌شود اثرات منفی بیشتری در این شرایط به صندوق‌ها تحمیل شود. در واقع، در نظام مدیریت صندوق‌های بیمه اجتماعی ایران سایه سنگین سیاست و مداخلات دولتی وجود دارد (بادینی، ۱۳۸۷). اعمال قدرت زیاد دولت در صندوق‌های بیمه اجتماعی کشور باعث نادیده گرفتن برخی مصالح صاحبان

ساخت پروژه و با تبدیل به سهامی عام شدن شرکت پروژه و عرضه شدن سهام آن، فعالیت صندوق پایان می‌پذیرد، تمامی دارایی‌ها و بدهی‌های صندوق به شرکت پروژه منتقل شده و به دارندگان واحدهای سرمایه‌گذاری صندوق، به همان نسبت، سهام شرکت پروژه واگذار می‌گردد.

اصلی منابع صندوق‌ها و بعضاً ترجیح منافع کوتاه‌مدت دولت‌ها بر منافع بلندمدت صاحبان اصلی صندوق‌ها می‌گردد. در چنین شرایطی صندوق‌های بیمه اجتماعی که لازم است بر اساس منطق و محاسبات بیمه‌ای اداره شوند، بر اساس صلاحدید سیاسی و مدیریتی عمل می‌کنند و به این شکل، آتیۀ آنها با مشکل مواجه می‌شود.

باید توجه داشت که تصمیمات اشتباه ناشی از مدیریت‌های غیر تخصصی در شرایط اقتصادی نامناسب همچون شرایط رکود تورمی، بر وخامت اوضاع خواهد افزود و نگاه‌ها را با شرایط بدتری مواجه خواهد ساخت. به علاوه، تراکم خطاهای مدیریتی و مداخلات سیاسی طی سالیان گذشته سبب شده است که برخی مشکلات صندوق‌ها به مشکلات ساختاری مبدل گردد که اصلاح آنها نیازمند عزم جدی‌تر و زمان بیشتری است.

وجود یک هیئت‌مدیره مستقل و متخصص در رأس صندوق‌های بیمه اجتماعی از بسیاری از تصمیمات سیاسی که سودآوری صندوق‌ها را به مخاطره می‌اندازد، جلوگیری خواهد کرد؛ چه بسا این حجم عظیم مطالبات سازمان تأمین اجتماعی از دولت، در صورت تسلط بیشتر کارفرمایان و کارگران بر مدیریت سازمان وجود نمی‌داشت. لذا به نظر می‌رسد، یکی از مهم‌ترین و اولویت‌دارترین گام‌های مرتبط با اصلاحات نهادی و ساختاری سیاست‌زدایی از صندوق‌های بیمه اجتماعی باشد. توقف مداخلات سیاسی در صندوق‌ها و حاکم شدن مدیریت تخصصی بر صندوق‌های بیمه اجتماعی می‌تواند عملکرد صندوق‌ها را حتی در شرایط سخت اقتصادی همچون رکود تورمی ارتقا بخشد.

رویکرد مبتنی بر اصلاحات در حوزه اقتصاد کلان

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، اگرچه اصلاحات درون‌بخشی ناظر بر صندوق‌های بیمه اجتماعی شرط لازم برای کاهش آسیب‌پذیری آنها از شرایط رکود تورمی است اما، با توجه به اثرگذاری شدید فضای اقتصاد کلان بر عملکرد این صندوق‌ها،

پیگیری روش‌های برون‌رفت از وضعیت رکود تورمی شرط کافی برای کمک به بهبود عملکرد صندوق‌های بیمه اجتماعی قلمداد می‌گردد. به‌طور کلی، می‌توان گفت وظیفه اصلی خروج از رکود تورمی بر عهده دولت است. دولت با راهکارهایی که ارائه می‌دهد می‌تواند متغیرهای کلان اقتصادی را تغییر دهد و سبب بهبود عملکرد بنگاه‌های اقتصادی گردد.

تجربیات موفق و ناموفق خروج از رکود در کشورها نشان داده است که یکی از مهم‌ترین مسائل در سیاست‌گذاری جهت مبارزه با رکود تورمی ارائه یک بسته کامل، جامع و دارای سازگاری درونی در همه حوزه‌های اقتصاد می‌باشد. قبل از ارائه برخی راهکارها در این حوزه، لازم است باتوجه به شرایط اقتصادی کشور دو ملاحظه مهم و اساسی در رابطه با سیاست‌گذاری خروج از رکود در نظر گرفته شود:

الف) نیاز به تجربه نرخ رشد اقتصادی بالا و پایدار

باتوجه به عمق رکودی که اقتصاد ایران با آن مواجه بوده است، با نرخ‌های رشد اقتصادی پایین مشکلات اقتصاد ایران به‌خصوص از منظر رفاه ازدست‌رفته حل نخواهد شد. در شرایط کنونی، بازگشت به سطح رفاه قبل از سال ۱۳۹۰ با نرخ‌های رشد اقتصادی محدود نیازمند گذر سال‌های زیادی خواهد بود. در نتیجه، اقتصاد ایران باید طی سال‌های آتی نرخ‌های رشد مثبت و بزرگی را هدف‌گذاری نماید تا اقتصاد از شرایط رکود فعلی خارج شود. باید تأکید کرد لزوماً داشتن رشد اقتصادی مثبت به معنی حل مشکل نیست و در حال حاضر اقتصاد ایران نیازمند رشدهای اقتصادی مثبت و بزرگ می‌باشد^۱ (موسوی‌نیک و همکاران، ۱۳۹۳).

ب) لزوم توجه به کیفیت رشد اقتصادی به‌خصوص از منظر اشتغال‌زایی

اگرچه رشد اقتصادی در هر کشوری از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است اما، از بسیاری جهات ایجاد اشتغال و کاهش بیکاری از آن نیز مهم‌تر است. اشتغال نیروی انسانی نقش مؤثری بر منابع و مصارف تأمین اجتماعی هم دارد (محمودزاده و سبحانی، ۱۳۹۲؛ موسوی، ۱۳۸۲). تجربه اقتصاد ایران به‌خصوص در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که هر نوع رشد اقتصادی به رفع معضل

۱. اگر ملاک رفاه اقتصادی باشد، واضح است که درآمد ملی سرانه معیار بهتری نسبت به تولید ناخالص داخلی بوده و لازم است مورد توجه سیاست‌گذاران اقتصادی قرار گیرد.

بیکاری در اقتصاد ایران منجر نمی‌شود. شواهد موجود نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر (قبل از بحران رکود تورمی)، علی‌رغم تجربه رشد های اقتصادی بعضاً بالا، ایجاد اشتغال بسیار محدود بوده است (طایی، ۱۳۹۵). نکته مهم آن است که تداوم وضع موجود و حتی بازگشت به سال‌های قبل از رکود اقتصادی از نظر رشد اقتصادی، منجر به بروز بحران بیکاری در سال‌های آتی خواهد شد. بنابراین، صرف توجه به رشد اقتصادی رافع مسئله مهم اشتغال‌زایی در اقتصاد ایران نیست و بازنگری جدی در کیفیت رشد اقتصادی کشور ضروری است. به نظر می‌رسد مسئله وابستگی بالای اقتصاد کشور به واردات واسطه‌ای و سرمایه‌های ناشی از وابستگی اقتصاد کشور به نفت نقش مهمی در کاهش عمق اقتصاد ایران و عدم ایجاد اشتغال با وجود حصول رشد اقتصادی داشته است (موسوی‌نیک و همکاران، ۱۳۹۳). انتخاب سیاست‌های مناسب ارزی، تجاری و بخشی می‌تواند در تغییر رابطه رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی در اقتصاد ایران مؤثر باشد.

باعنایت به مراتب فوق برای برون‌رفت از شرایط رکود تورمی، اقدامات زیر ضروری به نظر می‌رسد:

۱. مسدود کردن منافذ فساد و رانت در اقتصاد

ریشه‌کن کردن فساد و برقرار کردن شفافیت‌های پولی و مالی نیاز به زمان زیادی دارد اما، در هر صورت اصلاح امور بلندمدت را باید در کوتاه‌مدت شروع نمود. لذا، بی‌توجهی به مسائل فساد و رانت و قاچاق در سیاست‌گذاری‌های کوتاه‌مدت موجب تداوم وضع موجود و حتی بدتر شدن آن خواهد شد. در این راستا، در اقدامات و سیاست‌های دولت باید منافذ فساد و رانت در اقتصاد مسدود شود.

۲. تقویت صنایع کوچک و متوسط

اهتمام به تقویت صنایع کوچک و متوسط و جلوگیری از ورشکستگی آنها با رعایت مقتضیات مربوط به مقیاس و کارایی با تعامل تشکل‌های خصوصی و تعاونی ضروری است (شهبازی، ۱۳۹۱). البته، باید این موضوع را مد نظر قرار داد که اتخاذ این سیاست نباید راهبرد کنترل تورم توسط بانک



مرکزی را به حاشیه براند. تقویت صنایع کوچک در رشد اشتغال ملی نیز نقش بسزایی ایفا می‌کند و لذا، این کار چه از نگاه رشد اقتصادی و چه از منظر رشد اشتغال ضروری است.

۳. کنترل و مهار بخش نامولد

مهار و محدود کردن بخش نامولد باید از دیگر اقدامات دولت باشد. بخش نامولد از چند مجرای مهم تولید را تحت فشار قرار داده است؛ نخست، بخش قابل‌ملاحظه‌ای از منابع در اختیار بخش نامولد قرار دارد و بنابراین، فعالیت‌های مولد با محدودیت در دسترسی به منابع مواجه هستند. دوم، بازدهی‌های بالا در فعالیت‌های مزاحم و نامولد هزینه فرصت منابع برای تولید و سرمایه‌گذاری را بسیار بالا می‌برد. سوم و از همه مهم‌تر، فعالیت‌های گسترده نامولد اقتصاد را به یک بازی برد-باخت و با جمع صفر تبدیل می‌کند و لذا، بهره‌مندی عوامل نامولد از درآمدهای بسیار بالا به قیمت محرومیت عوامل مولد (صاحبان سود، دستمزد و اجرا) تمام شده و این امر باعث تضعیف مستمر تولید می‌شود. با این وضع نمی‌توان به رشدهای بالا و رونق مستمر دست یافت (شاکری، ۱۳۹۳).

۴. اصلاح بازار نهاده‌های تولید

اعمال کنترل قیمت نهاده‌های تولید و حذف واسطه‌گری‌های چندلایه در تأمین مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای از دیگر اقدامات ضروری دولت برای خروج اقتصاد از رکود است. بدون نظارت بر بازارها که سبب آزادی عمل واسطه‌ها و دلالتان می‌شود، قیمت نهاده‌ها و کالاهای واسطه‌ای بی‌ثبات می‌شود و درحالی که کنترل قیمت بر تولیدکننده وجود داشته باشد، تولید به شدت دچار آسیب می‌شود. برای مثال، وقتی قیمت انرژی افزایش می‌یابد، باید به تولیدکننده کمک کرد (و بعد هم الزام کرد) که ساختار فنی خود را اصلاح کند؛ نه اینکه در ساختار فنی موجود، نهاده انرژی را گران کرد و انتظار تثبیت قیمت تولیدکننده را داشت. برخی مطالعات اذعان کرده‌اند که یکی از مهم‌ترین نیایدها در دوران بحران و رکود تورمی، سیاست‌های آزادسازی است (رحمتی و مدنی‌زاده، ۱۳۹۳)؛ چراکه در این شرایط دولت نظارت کاملی بر شرایط ندارد و آزادسازی سبب بی‌ثباتی متغیرهای اقتصادی می‌شود.



۵. تنظیم و اصلاح مقیاس بنگاه‌ها

یکی از مشکلات در حوزه بنگاه‌های اقتصادی عدم رعایت صرفه‌های حاصل از مقیاس در صنایع مختلف است که این موضوع سبب شده تولید از کارایی و بهره‌وری لازم برخوردار نباشد. اگر تعداد زیادی بنگاه بدون تنظیم و هماهنگی مبادرت به تولید یک محصول با بازار محدود نمایند، قیمت تمام‌شده آنها بالا خواهد بود و لذا، رقابت‌پذیری لازم برای صادرات تأمین نمی‌شود و محصولات تولیدی با کالاهای وارداتی هم رقابت نخواهند کرد (شاگری، ۱۳۹۳).



۶. تنظیم صحیح سیاست‌های تجاری

تنظیم سیاست‌های تجاری در جهت حمایت از تولید داخلی، رفع انحصارات در واردات نهاده‌ها و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای، جلوگیری از واردات کالاهای رقیب تولید داخل، و حمایت مشروط از تولیدکننده داخلی از این مجرا ضروری است. در شرایطی که تولید داخلی ضعیف است و تولیدات بنگاه‌ها رقابت‌پذیر نیستند، حمایت تجاری از تولید یک ضرورت است اما، حمایت باید مشروط و محدود و زمان‌دار باشد و حمایت‌شونده هم، مسئولیت‌های خود را تشخیص داده و اجرا کند. بر اساس مطالعات انجام‌شده، وجود انحصارات سبب ناکارایی در اقتصاد می‌شود و یکی از توصیه‌های مهم برای خروج از رکود رفع انحصارات بوده است.

۷. اصلاح و بازسازی نظام مالیاتی

اصلاح فرایندهای مالیات‌ستانی و تعریف مالیات‌های جدید و ابزارهای کارا تر برای جمع‌آوری آن، یکی دیگر از روش‌های کارآمد در شرایط رکود تورمی است. با این کار، درآمد دولت افزایش و کسری بودجه دولت کاهش می‌یابد. البته، این سیاست پیشنهادی به‌هیچ‌عنوان به معنی افزایش نرخ مالیات نیست بلکه، نظام‌بخشی، رفتار یکسان با همه عوامل اقتصادی جهت عادلانه‌تر کردن رقابت‌های اقتصادی، ثبات اقتصادی، کاهش ریسک و نیز ثبات بیشتر در درآمدهای دولت است. در این سیاست، از افراد بیشتری از جامعه که قبلاً مالیات پرداخت نمی‌کردند ولی باید پرداخت کنند، مالیات گرفته می‌شود.

۸. اصلاح نظام بودجه‌ریزی

وجه مشترک رکود تورمی در مطالعات بین‌کشوری، افزایش شدید کسری بودجه دولت پیش از آغاز بحران بوده است (رحمتی و مدنی‌زاده، ۱۳۹۳). مطالعات داخلی نیز وجود رابطه مثبت میان کسری بودجه و رکود تورمی را تأیید می‌کنند (خانی‌قریه‌گی و همکاران، ۱۳۹۲). لذا، اصلاح نظام بودجه‌ریزی کشور یکی از مسائل اساسی در بهبود ساختار اقتصاد ایران است؛ چراکه اصلاح این بخش سبب می‌شود سایر بخش‌های اقتصادی نیز در مسیر اصلی‌شان قرار گیرند. در این زمینه، ساماندهی و شفافیت بدهی دولت به بخش‌های مختلف اقتصادی ضروری و دارای اولویت است (قریشی و همکاران، ۱۳۹۴)؛ زیرا پرداخت بدهی‌ها بدون توسل به منابع بانک مرکزی سبب بهبود توازن بودجه می‌شود. در صورت عدم اصلاح نظام بودجه‌ریزی، نبود انضباط مؤثر مالی در بودجه دولت و عدم تحقق منابع جدید، با پرداخت بدهی‌های دولت از منابع بودجه، منابع مربوط به طرح‌های عمرانی دولت کاهش می‌یابد و با توجه به اینکه سرمایه‌گذاری مولد ناکافی انجام می‌شود، رکود عمیق‌تری به وقوع خواهد پیوست (موسوی‌نیک و همکاران، ۱۳۹۳).

۹. تغییر پارادایم پولی و مالی

برخی از محققان معتقدند سیاست پولی در دوره اخیر به شدت کج‌دار و مریز و فاقد استقلال بوده است که این موضوع سبب ایجاد رکود تورمی در کشور شده است (رحمتی و همکاران، ۱۳۹۳). به همین دلیل، تغییر پارادایم پولی و مالی ضرورت دارد. اصول اولیه چنین پارادایم پولی و مالی مقاوم در برابر تورم، در جنبه پولی، استقلال، شفافیت، اعتبار، نظارت، قاعده‌مندی (هدف‌گذاری تورم با نگاه رو به جلو) و استفاده از ابزار پولی مناسب و در جنبه مالی، نبود کسری بودجه است تا عامل اصلی در کاهش تورم یعنی انتظارات تورمی، در یک فرایند تغییر رژیم جامع‌ه کاهش یابد.



جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

صندوق‌های بیمه اجتماعی از جمله نهادهای مالی هستند که با دارا بودن منابع مالی فراوان و قابل توجه نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای در اقتصاد کشورها ایفا می‌نمایند. این صندوق‌ها می‌کوشند تا علاوه بر حفظ ارزش ذخایر و پس‌اندازهای مردم، با سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلف بر ارزش این ذخایر بیفزایند. با توجه به آنکه ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در کشور محور کار سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی قرار گرفته است، تبیین ارتباط میان توسعه نظام تأمین اجتماعی و بهبود عملکرد صندوق‌های بیمه اجتماعی در راستای اهداف سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ضروری است. کارکردهای بیمه‌های اجتماعی در توزیع ثروت، افزایش پوشش بیمه و سرمایه‌گذاری در بخش‌های اقتصادی می‌تواند زمینه را برای توسعه کارآفرینی، مشارکت حداکثری مردم در اقتصاد کشور، افزایش بهره‌وری، ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری، افزایش تولید داخلی و ارزش افزوده، و مدیریت مصرف که از اهداف اقتصاد مقاومتی هستند، فراهم کند.

موفقیت در انجام وظایف و کارکردهای صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی بایسته‌های مختلفی دارد. شرایط اقتصادی حاکم بر فضای کسب‌وکار کشور و نحوه مدیریت صندوق‌ها دو مورد از مهم‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار بر کارکرد این صندوق‌ها هستند. وضعیت اقتصاد کلان از منظر رشد اقتصادی، اشتغال، تورم، رکود و شرایط موسوم به رکود تورمی آثار معنی‌داری بر عملکرد صندوق‌ها، و منابع و مصارف آنها دارد. لذا شناخت اقتصاد کلان و مقتضیات آن و نحوه اثرگذاری محیط بیرونی بر عملکرد اقتصادی صندوق‌ها از لوازم مدیریت صحیح صندوق‌های بیمه اجتماعی محسوب می‌گردد. در این راستا، در گزارش حاضر تلاش شد ضمن تبیین پدیده رکود تورمی و دلایل بروز آن در ایران، مسیرهای احتمالی اثرگذاری آن بر منابع و مصارف صندوق‌ها

با تأکید بر سازمان تأمین اجتماعی شناسایی شود. به‌طور خلاصه استدلال شد که ر‌کود توری بر منابع صندوق‌ها (سازمان تأمین اجتماعی) شامل درآمدهای حاصل از حق بیمه، درآمدهای حاصل از وجوه و ذخایر و وصولی از دولت تأثیر منفی خواهد گذاشت. به‌علاوه، نحوه اثرگذاری پدیده ر‌کود توری بر سمت مصارف صندوق‌های بیمه اجتماعی نیز مورد بحث قرار گرفت.

سیس، برای کاهش آسیب‌پذیری صندوق‌های بیمه اجتماعی از ر‌کود توری دو دسته راهکار ارائه شد؛ گروه اول معطوف به مدیریت صندوق‌ها در شرایط ر‌کود توری است. در این رابطه راهکارهایی چون افزایش بهره‌وری در صندوق‌های بیمه اجتماعی، مشارکت در ایجاد و توسعه بازار بدهی دولت، ایجاد پرتفوی بهینه در سرمایه‌گذاری‌ها، توسعه بنگاه‌های صادرات‌محور، ایجاد انضباط مالی و معاملاتی در ساختار صندوق‌ها و افزایش شفافیت در شرکت‌ها، کنترل و مدیریت هزینه‌های صندوق‌های بیمه، افزایش تأمین مالی شرکت‌های زیرمجموعه صندوق‌ها از طریق بازار سرمایه و گسترش مشارکت اقتصادی با بخش خصوصی، و جلوگیری از دولتی‌شدن ساختار صندوق‌ها پیشنهاد گردید. پیگیری و عملیاتی کردن این راهکارها در شرایط ر‌کود توری نسبت به شرایط معمول اقتصاد از اهمیت بیشتری برخوردار است. گروه دوم راهکارها از کانال اصلاحات اقتصاد کلان می‌گذرد؛ به این معنا که یکی از شروط لازم برای عملکرد مناسب اقتصادی صندوق‌های بیمه اجتماعی، وجود بستر مناسب اقتصاد کلان برای فعالیت‌های اقتصادی است. در غیر این صورت، کارکرد مدیریت صندوق‌ها تنها متمرکز بر کاهش آسیب‌پذیری صندوق‌ها از وضعیت نامناسب اقتصاد خواهد بود. برخی راهکارهای ارائه‌شده در این رابطه عبارت‌اند از: مسدود کردن منافذ فساد و رانت در اقتصاد، تقویت صنایع کوچک و متوسط، کنترل و مهار بخش نامولد، اصلاح بازار نهاده‌های تولید، تنظیم و اصلاح مقیاس بنگاه‌ها، تنظیم صحیح سیاست‌های تجاری، اصلاح و بازسازی نظام مالیاتی، اصلاح نظام بودجه‌ریزی و تغییر پارادایم پولی و مالی.

پیشنهادات برای مطالعات آتی

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، هدف از انجام این مطالعه شناسایی مسیرهای احتمالی اثرگذاری رکود تورمی بر صندوق‌های بیمه اجتماعی بوده است. در همین راستا تلاش شد با یک رویکرد جامع‌نگر، آثار این پدیده اقتصادی بر سمت منابع و مصارف صندوق‌ها احصا شده و نتایج احتمالی گزارش شود. گام بعدی برای مطالعات آتی می‌تواند کمی‌سازی هریک از این آثار باشد. به بیان دیگر، پاسخ به این سؤالات که به‌طورمثال سودآوری هلدینگ سیمان یا سایر هلدینگ‌های سازمان تأمین اجتماعی در پی بروز رکود تورمی در سالیان اخیر دستخوش چه تغییراتی شده است، مستلزم مطالعاتی مستقل و ترجیحاً جداگانه برای هریک از صنایع است.



۱. امین رشتی، ناریس و قربانی ولیک چالی، عاطفه. (۲۰۱۳). نقش نظام تأمین اجتماعی بر توسعه انسانی در ایران. *علوم اقتصادی*، ۷(۲۳)، ۸۱-۱۱۰.
۲. بادینی، حسن. (۱۳۸۷). جستاری نقادانه در نظام حقوقی تأمین اجتماعی ایران. *مجله حقوق*، ۴(۳۸)، ۵۷-۸۸.
۳. باستانی فر، ایمان و میرزایی، رخساره. (۱۳۹۳). تحلیل ریشه‌های رکود تورمی در اقتصاد ایران و ارائه راهکارهای برون‌رفت. *پژوهش‌های پولی-بانکی*، ۰(۷)، ۳۶۱-۳۸۰.
۴. پناهی، بهرام. (۱۳۸۳). مباحث نظری: نظام تأمین اجتماعی و اقتصاد بازار. *رفاه اجتماعی*، ۱(۳)، ۱۱-۴۰.
۵. پناهی، بهرام. (۱۳۷۶). *اصول و مبانی نظام تأمین اجتماعی*. تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
۶. حسینی، سید رضا. (۱۳۸۸). تأمین اجتماعی و رشد و توسعه اقتصادی. *جستارهای اقتصادی*، ۱(۶)، ۶۱-۸۲.
۷. خانی قریه‌گپی، نوشین، سحابی، بهرام، عزیزی، فیروزه و صباغ کرمانی، مجید. (۱۳۹۲). شناسایی علل رکود تورمی در ایران: روش تصحیح خطای آستانه‌ای. *مدلسازی اقتصادی*، ۴(۷)، ۱۹-۳۶.
۸. رحمتی، محمد حسین، مدنی‌زاده، سید علی و نجفی، فاطمه. (۱۳۹۳). رکود تورمی در ایران: نظم‌های آماری و عوامل آن (گزارش پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۹۳۰۲۷). قابل دریافت از: www.mbri.ac.ir
۹. رحمتی، محمد حسین و مدنی‌زاده، سید علی. (۱۳۹۳). رکود تورمی و راه‌های خروج از آن (گزارش پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۹۳۰۲۸). قابل دریافت از: www.mbri.ac.ir
۱۰. زنای، محسن. (۱۳۹۵). ریشه‌یابی رکود تورمی در اقتصاد ایران از اقتصاد



- ایران در سال ۱۳۹۵ بیم‌ها و امیدها. تهران: مؤسسه سیاست‌پژوهی صبا.
۱۱. زارع، بیژن، اسدی، زاهد. (۱۳۹۰). رابطه تأمین اجتماعی با توسعه اقتصادی - اجتماعی در ایران. *رفاه اجتماعی*، ۰(۱۱)، ۱۰۶-۶۷.
۱۲. شاکری، عباس. (۱۳۹۲). *تحلیل وضعیت اقتصادی کشور ۷۰. ارزیابی متغیرهای کلان اقتصادی* (گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی). قابل دریافت از: <http://rc.majlis.ir/fa/report>
۱۳. شاکری، عباس. (۱۳۹۳). *ارکان سیاست‌گذاری برای برون‌رفت از شرایط رکود تورمی* (گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تهران). قابل دریافت از: <http://rc.majlis.ir/fa/report>
۱۴. شهبازی غیائی، موسی. (۱۳۹۱). *نقش بنگاه‌های خرد، کوچک و متوسط در اقتصاد هند و آموزه‌هایی برای سیاست‌گذاری در ایران*. (گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تهران). قابل دریافت از: <http://rc.majlis.ir/fa/report>
۱۵. صادقی، سید کمال. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بلندمدت بین مخارج آموزشی، بهداشتی، امنیت و رفاه اجتماعی و رشد اقتصادی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (رهیافت حداقل مربعات پویا). *مجلس و راهبرد*، ۰(۲۱)، ۱۱۳-۱۳۶.
۱۶. طایی، حسن. (۱۳۹۵). *تحلیل وضعیت حاکم بر بنگاه‌های تولید با رویکرد سیستمی از اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۵ بیم‌ها و امیدها*. تهران: مؤسسه سیاست‌پژوهی صبا.
۱۷. عبدالهی، محمدرضا. (۱۳۹۳). *تحلیل کمی و کیفی تورم در اقتصاد ایران (دوره ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳)* (گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی). قابل دریافت از: <http://rc.majlis.ir/fa/report>
۱۸. قریشی، رضا، اشکرزان، آفاق، بیزه، عفت‌السادات و حقیقی، امان‌الله. (۱۳۹۴). *ضرورت مدیریت بدهی‌های دولت در دستگاه‌های اجرایی کشور*. ارائه‌شده در چهارمین کنفرانس ملی حسابداری، مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری. قابل دریافت از: http://www.civilica.com/Paper-CAFM04-CAFM04_038.html



۱۹. کلدی، علی‌رضا، سمواتیان، بهاره. (۱۳۸۷). بررسی علل و عوامل مؤثر بر رضایت شغلی کارکنان زن و مرد شعب سازمان تأمین اجتماعی تهران سال ۱۳۸۸. پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، ۲(۲)، ۷۳-۹۰.

۲۰. کرمی، زینب. (۱۳۸۶). تحلیل پدیده رکود تورمی و عوامل ایجاد آن در اقتصاد ایران (گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی). قابل دریافت از:

<http://rc.majlis.ir/fa/report>

۲۱. کرمی، هومن، میثمی، حسین و بیات، سعید. (۱۳۹۵). بازار اوراق بدهی دولتی در ایران. ارائه‌شده در بیست‌وششمین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی: تهران. قابل دریافت از:

<http://conf.mbri.ac.ir/conf26/Default.aspx?PageName=Pages&ID=19>

۲۲. محمودزاده، محمود و سبحانی، سهیلا. (۱۳۹۲). بررسی اثر سیاست‌های تأمین اجتماعی بر دستمزد و اشتغال در اقتصاد ایران. پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار، ۱۳(۱)، ۱۴۳-۱۶۰.

۲۳. موسایی، میثم و شوقی، لقمان. (۱۳۸۶). بررسی رضایت‌مندی مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی تهران بزرگ. مطالعات جامعه‌شناختی، ۱(۱۵)، ۱۱۳-۱۳۰.

۲۴. مؤسسه دین و اقتصاد. (۱۳۸۳). بهبود نظام تصمیم‌گیری در سازمان تأمین اجتماعی. (گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی). قابل دریافت از:

<http://rc.majlis.ir/fa/report>

۲۵. موسوی، سیدمهدی. (۱۳۸۲). ساختارشناسی و پیش‌بینی مخارج حمایت‌های بلندمدت سازمان تأمین اجتماعی با تأکید بر مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی (با رویکرد اقتصادسنجی تأمین اجتماعی). تأمین اجتماعی، ۱(۵)، ۳۲۹-۳۴۸.

۲۶. موسوی‌نیک، سید هادی، عبدالهی، محمدرضا، خوشکلام، موسی و صادقی، نرگس. (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل بسته سیاستی دولت برای خروج غیرتورمی از رکود (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تهران). قابل دریافت از:



<http://rc.majlis.ir/fa/report>

۲۷. نیکوپور، حسام. (۱۳۸۴). تک‌نگاری: پیش‌بینی متغیرهای اصلی سازمان تأمین اجتماعی در طول برنامه چهارم توسعه کشور با تأکید بر سرمایه‌گذاری‌های آن. تأمین اجتماعی، ۱(۷)، ۱۱۹-۱۵۴.
۲۸. نیکوپور، حسام و ریاضی، محسن. (۱۳۸۳). تک‌نگاری: سازمان تأمین اجتماعی و رشد و توسعه اقتصادی. تأمین اجتماعی، ۱(۶)، ۱۸۷-۲۰۶.
۲۹. نیکوپور، حسام. (۱۳۸۴). تک‌نگاری: چرخه‌های تجاری و بایسته‌های سیاست‌گذاری در سازمان تأمین اجتماعی (۱۳۸۰-۱۳۴۰). تأمین اجتماعی، ۱(۷)، ۱۶۱-۱۹۴.
۳۰. هادیان، محمد، حقانی، حمید و یوسف‌زاده، حسن. (۱۳۸۷). تخمین و مقایسه بهره‌وری شعب سازمان تأمین اجتماعی تهران؛ ۸۳-۱۳۷۹. مدیریت سلامت/مدیریت اطلاع‌رسانی پزشکی، ۰(۱۱)، ۶۳-۷۰.

31. Apilado, V. P. (1972). Pension Funds, Personal Savings, and Economic Growth. *The Journal of Risk and Insurance*, 39(3), 397-404. doi:10.2307/251830
32. Bronfenbrenner, Martin. (1976). Elements of stagflation theory. *Journal of Economics*, 36(1), 1-8.
33. Clark, G. L., & Hebb, T. (2004). Pension fund corporate engagement: The fifth stage of capitalism. *Relations industrielles/industrial relations*, 142-171.
34. Davis, E. P. (2002). Institutional investors, corporate governance and the performance of the corporate sector. *Economic Systems*, 26(3), 203-229.
35. Davis, E. P., & Hu, Y. (2005). Saving, funding and economic growth, in Clark, G. (ed) *Oxford Handbook of Pension Reform and*



- Investment*, Oxford: Oxford University Press. Retrieved from: <http://bura.brunel.ac.uk/bitstream/2438/998/1/05-02.pdf>.
36. Disney, R. (2004). Are contributions to public pension programmes a tax on employment? *Economic Policy*, 19(39), 268-311. doi:10.1111/j.1468-0327.2004.00124.x
37. ILO, (2001). *Social Security: Issues, Challenges and Prospects: Sixth Item on the Agenda*. Geneva: ILO. Retrieved from: <http://www.ilo.org/public/english/standards/relm/ilc/ilc89/pdf/rep-vi.pdf>.
38. International Social Security Association (2013). *The ISSA Guidelines on Good Governance*. Retrieved from: <http://www.issa.int/excellence>.
39. Lindbeck, A., & Persson, M. (2003). The gains from pension reform. *Journal of Economic Literature*, 41(1), 74-112. doi:10.1257/.41.1.74
40. Matijasic, M., & McKinnon, R. (2014). (Dynamic Social Security: A necessary condition for inclusive societies and economic development. *International Social Security Review*, 67(3-4), 3-15. doi:10.1111/issr.12045
41. Meng, C., & Pfau, W. D. (2010). *The role of pension funds in capital market development*. (GRIPS Discussion Papers, 10).
42. Stiglitz, J. E. (2000). *Economics of the Public Sector*. New York: W.W. Norton.
43. Ukai, Y. (2011). Did social security improve labor productivity? *Rev Socionetwork Strat*, 5(2), 57-64. doi:10.1007/s12626-011-0021-6





44. von Hauff, M. (2002). *The relevance of social security for economic development*. Social Protection in Southeast and East Asia, Singapore: FES

45. Walker, E., & Lefort, F. (2000). *Pension reform and capital markets: are there any (hard) links?* (World Bank Social Protection Discussion Paper, No. 24082). Retrived from:
https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=239531

46. Yermo, J. (2008). *Governance and investment of public pension reserve funds in selected OECD countries* (OECD Working Papers on Insurance and Private Pensions, No. 15).

47. Zhang, J. (1995). Social security and endogenous growth. *Journal of Public Economics*, 58(2), 185-213.